

## افغان مینې مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

**Western Union**  
6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150  
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

در امریکانه

\$1.50

شمارهٔ دهم /سال بیست چهارم / جمعه ۳اسد ۱۳۹۴ / ۲۵ سپتمبر ۲۰۱۵ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۰۵

## و جيزه ها

تصميمات كوچك را بايد با مغز گرفت، و تصميمات بزرگ را با قلب . (گارسيا مارکز)

تصور می کنم بهترین تعریفی که از انسان می توان کرد این است: انسان عبارت است از موجودی که به همه چیز عادت می کند. (داستایوفسکی)

ازدواج امری جالب است. دقیقاً مانند ارتش، باوجودی که همه ناراضی هستند، ولی بازهم داوطلب دارد . ( جک لی مان)



ازراست: انجنیرفروزان، محمدقوی کوشان، پروفیسرهادی، داکتردستگیر، داکترهادی و محمدطاها کوشان

### گزارش محفل هفته شهید وچهاردهمین سالروز شهادت قهرمان ملی شهید احمدهاشه مسعود (رح)

۱۳ سپتمبر/واشنگتن ــ هفته نامهٔ امید : جمعیت کثیری ازافغانهای مقیم شرق ایالات متحدهٔ امریکا، روز یکشنبه سیزدهم ماه سپتمبر ۲۰۱۵، در جری بلاسم بنکویت هال، واقع شهر سترلنگ ایالت ورجینیا، در حومهٔ واشنگتن دی سی گردهم آمدند و به تجلیل شهدای آزادی بخش جهاد ومقاومت ملی، و تکریم و تجلیل از شخصیت والا گهر قهرمان ملی، سردار شهدای افغانستان، شهیدسعید احمد شاه مسعود (رح) پرداختند.

محفل ساعت ۲۵/۴ دیگر باتلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد . محمدقوی کوشان گردانندهٔ مجلس، باخوشآمد گویی به شخصیتهای گرامی بحث کننده و همهٔ حضار، پائلیست های ارجمند را معرفی کرد: جناب داکتر غلام محمد دستگیر(از ایالت کلورادو)، جناب انجنیرعبدالصبور فروزان (از ایالت نیو جرسی)، جناب پروفیسر داکتر حمیدهادی(از ایالت کرولینای شمالی)، و جناب داکتر عبدالوهاب هادی (از ایالت ورجینیا).

پیام بنیادمسعودشهید را خانم پروین رحمتی به حضاریشکش نمود، بعد گردانندهٔ محفل از آقای محمدطاها کوشان، که جهت حضور درین محفل شاندار، از ایالت کالیفورنیا آمده بود، خواست تانخستین سخنران محفل باشد. وی چنین گفت : ( اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، الحمدلله رب العالمین والصلوت والسلام علی محمد و علی آل محمد و علی اهل الصلح و شهادت. بانوان و آقایان، السلام وعلیکم و رحمت الله و برکاته !

امروز بایدما به نسل دوم و سوم جهاد و مقاومت حرف مفت و گپ مفت نگویم، بلکه آنچه ما ازدوران جهاد ومقاومت دستجمعی هم میهنان مان دیدیم وشیدیم و آموختیم و بکار نستیم و غفلت نمودیم و گوش ندادیم تا به این ذلت و بدبختی رسیدیم، را باید بگویم.

در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن شرط اول قدم آتست که مجنون باشی مجنون بودن به معنی دیوانگی ویی بنشو باری همانند بیماران روانی وعقلانی نیست، بل مجنون بودن عاشق به یک راه و روش پسندیده و آینده سازبا فرهنگ میباشد . ما باید به نسل دوم وسوم و تالی ماشالله از کردار و رفتار و گفتار و پوشیدن لباس وانداز وموقع شناسی وسنجیده سخن گفتن آمر صاحب شهید بگویم تا از اینهمه سجایای عالی اسلامی و فرهنگی آن بزرگمرد تاریخ افغانستان وجهان بیاموزندو یاد گرفته بکار بگیرند؛ نه اینکه باکارهاواداهای جاهلانه طالبی خدای نا کرده اشتباها لکۀ ننگی بردامان آرمانهای جهاد ومقاومت مردم افغانستان بگذارند.

من ازین نسل دوم و سوم مییرسم: فرق بین آدم فرهیخته و با فرهنگ وادب و تاریخ، باآدم بی فرهنگ ویی ادب و بی تاریخ همانند پاکستان؛ چیست؟

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن

که درطریقت ما غیر ازین گناهی نیست

حافظ (رح)

در روز تجلیل و تبجیل شهداء دیدیم که چند ولگرد دهشت افگن در شهر کابل با تفنگ و تفنگچه چقدر اذهان عامه مردم را بر علیه روز یاد بود شهید؛ برانگیختند. پس بر همه پیروان و همراهان و هواداران جهاد و مقاومت است که به هیچکسی ودربهیج جایی اجازه تکرار چنین رفتارو کردار ناشایست و شرم آور را ندهند .

جیزدیگری را که باید بفرایم : در یک فیسبوک، یادگاری ازجناب سرور و سردارما محمدرسول الله که رحمت و بخشش خداوند براو وخانواده و پیروانش باد، را گذاشته بودند. دیدم و ناخود آگاه اشک ازچشمانم سرازیرشد، غرق در اندیشه شدم که یا خدای کریم از آن پیامبر بزرگووار که جناب حضرت مادر مسلمانهای بی خدیجه الکبری (رض)وجناب حضرت عثمان غنی(رض) همه دارایی های خویش را درپای قرآن ودین ریختند واز آن پیامبر گرامی و والا شأن ما یک ردای مبارک، یک دستار مبارک، یک عصا وپاپوش مبارکشان بجا مانده. واماامروز بیوم کاخها وسرمایه های دکانداران قرعان و دین و حدیث و آیت رابیینیم: بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا !

آن راه وروش پیامبر ویارانش اسلام به اوج ثربا رسانید و این کردار ورفتار تاجران وودکانداران دین ومذهب و قرعان وحدیث، دین مارا به در اذهان عامه مردم جهان به دین وحشت و دین دروغ و دین ضد همه حقوق انسانی و ضد دانش نمایان کرده اند . به روان همه شهدای آزادی میهن درود و دعا میفرستم. (دنباله درصفحهٔ هفتم)

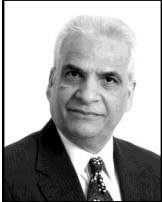
تشرک)

بنام خدا

## شمارهٔ ۱۰۰۵

**بیمه استیت فارم**

LIKE A GOOD NEIGHBOR,  
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:  
**Afzal Nasiri, Agent**  
8704 Sudley Road  
Manassas, VA 20110-4405

**703-369-6224**

**ماری خلیلی ، افضل ناصری**

خانه، موتر، صحت  
حیات، تجارت



### دهنه غوری توسط گلاب منگل به طالبان داده شد

۲۱سپتمبر/کابل-نور تی وی: روز گذشته عبدالرب الرسول سیاف از رهبران پیشین جهادی در مورد نفوذ افراد مسلح وابسته به دشمن، در حکومت و شهر های کشور هشدار داد. استادسیاف از دولت خواست که در مورد نفوذ گروه های شورشی در درون نظام تصمیم جدی بگیرد. این نخستین بار نیست که آقای سیاف از حضور افراد وابسته به گروه های مسلح شورشی درشهر کابل سخن میگوید، او چندماه پیش نیز گفته بود که اعلامیه های ملا عمر، رهبر پیشین گروه طالبان، در مرحله وزیرا کبرخان در مرکز شهر کابل نوشته می شود.

امابدنبال موضعگیری استادسیاف در پیوند به جابخوش کردن ستون پنجم درداخل نظام، امروزدوشنبه ۳۰سنبله شماری ازوکلائی مجلس شورانیز تیر انتقاد شانرا به سمت حکومت نشانه رفتند. آنان بر پاکسازی ستون پنجم درداخل حکومت تأکید میکنند. محمد داوود کلکانی و کیل شورا میگوید اگر جـلـو فعالیت جاسوسان در داخل نظام گرفته نشود، کشور به بحران خواهد رفت.

گسترش ناامنی ها در افغانستان هم موضوعیست که همه روزه نمایندگان به آن تماس میگیرند. قاضی عبدالرحیم رهین و کیل شورا، پاکستان را عامل اصلی بدامنی ها در کشور میدانندو میگوید ریشه های ناامنی ازین کشور آب میخورد. آقای رهین تأکید میکند که نبود تعریف مشخص از دوست و دشمن نیز سبب شده که ناامنها در کشور گسترش پیدا کند.بااینهمه برخی وکلائی مردم درشورا باتتقادشدید از حکومت مبنی بر معامله باطالبان در راستای تأمین امنیت منطقه دهنه غوری ولایت بغلان، هشدار میدهند که ادامه این وضعیت به نفع طالبان است.

ظهِیر سعادت عضو مجلس نمایندگان میگوید بعملکرد گلاب منگل وزیر اقوام و قبایل در قبال معامله با طالبان خیانت ملی است و باید این وزیر سلب صلاحیت شود. مجلس نمایندگان فیصله کرد که پس از عید قربان، وزیران امنیتی راجعت پاسخگویی به پرسش و کلا به مجلس فرا میخوانند و در صورت عدم قناعت اعضای مجلس، برای سلب صلاحیت شان صندوق می گذارند.

### انفجار بمب در فراه ۲۷ زخمی به جا گذاشت

۲۴ سپتمبر/فراه-بی بی سی: مقامهای ولایت فراه میگوینددر انفجار یک بمب جاسازی شده در مسجدی در روستای سرمشکان ولسوالی پرچمن ۲۷ نفر زخمی شده‌اند. محمد آصف ننگ، والی فراه گفت این حادثه روز پنجشنبه ۵میزان هنگام ادای نماز عید قربان در این مسجد روی داد.این بمب از راه دور کنترل می شد و همزمان با آغاز نماز عید منفجر شد. حال ۵ نفر از زخمی های این حادثه وخیم بوده که برای مداوای بیشتر به ولایت قندهار منتقل شده‌اند. هنوز گروهی مسئولیت این انفجار را بر عهده نگرفته است.

### عبدالله برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به امریکا سفر کرد

۲۳ سپتمبر/کابل-بی بی سی: عبدالله عبدالله رئیس اجرایی افغانستان همراه بایک هیات بلندرتبه برای اشتراک در هفتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به امریکا سفر کرد. اودرین سفر در مجمع سازمان ملل در مورد وضعیت سیاسی، امنیتی، مبارزه با مواد مخدر و تقویت وادامه همکاریهای بین المللی باافغانستان سخنرانی خواهد کرد.

گفته میشود که وی در این سفر در نشست سران کشورها برای اتخاذ برنامه توسعه‌ای پس از ۲۰۱۵، نشست سه جانبه افغانستان، امریکا و چین با محور باز سازی افغانستان، نشست مشترک مبارزه با مواد مخدر در افغانستان و نشست سران کشورها برای مبارزه با گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) نیز اشتراک خواهد کرد. دیدار با بانکی مون سرمنتشی سازمان ملل وحسن روحانی رئیس جمهور ایران نیز در برنامه های سفر اوست. قرار است در این سفر، محمود صیقل نیز به حیث نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل معرفی شود.

عمد تا درین نشست رئیس جمهور افغانستان اشتراک میکرد اما امسال به اساس توافق حکومت وحدت ملی این کشور، رئیس اجرایی به نمایندگی از افغانستان درین نشست حاضر شده است. شرکت نوجوان افغان در کنار رئیس اجرایی در نشست سازمان ملل امسال یک نوجوان ۱۳ساله در کنار رئیس اجرایی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل شرکت خواهد کرد. سازمان خیریه(نجات کود کان)سمیر نبی، راز میان دهها کودک دگر انتخاب کرده تا با آقای عبدالله به سازمان ملل متحد برود.

### سرباز افغان با همکاری طالبان ۱۰ همکار خود را کشت

۲۲ سپتمبر /جوزجان-بی بی سی: مقامات ولایت جوزجان اعلام کردندیک سرباز ارتش ملی در ولسوالی فوش تپه با همکاری طالبان، ۱۰ سرباز همکار خود را کشت و از منطقه فرار کرد. عبدالحفیظ خاشی، مسئول امنیت پلیس جوزجان گفت طالبان حوالی ساعت ۲ بامداد امروز با همکاری این سرباز که در حال پاسانی بود، وارد یک پاسگاه ارتش شده ۱۰ سرباز را کشته اسلحه ومهمات شان را بردند. سه سرباز این پاسگاه با استفاده از تاریکی شب فرار کرده‌اند . خاشی تأکید کرد که اکنون نیروهای ارتش ملی دوباره درین پاسگاه مستقر شده و طالبان و سرباز همکارشان از محل فرار کرده اند.

چند روز پیش نیز فرمانده پلیس ولایت بدخشان اعلام کرد که یک مسئول امنیتی یک پاسگاه که در ولایت زابل ۵ همکار خود را در تاریخ ۱۶ سنبله به قتل رسانده بود، در این ولایت بازداشت شده است.

### هلاکت یک سرباز خارجی در بگرام

۲۳ سپتمبر/کابل-نور تی وی: نیروهای حمایت قاطع اعلام کرد که یک سربازان در میدان هوایی بگرام کشته شده است. در اعلامیه ای که این نیروهابه رسانه ها فرستاده اند، در مورد هویت و ملیت سرباز کشته شده و اینکه او چگونه کشته شده، چیزی گفته نشده است. این سرباز دیروز کشته شده و ناتوصـبـح امروز در این مورد خبر داده است.



## فیصله نامهٔ شاملان، محفل بزرگداشت هفته شهید و چهاردهمین سالروز شهادت قهرمان ملی احمدشاه مسعود(رح)

در مجلسی که به یادبود از هفتهٔ شهداء و چهاردهمین سال شهادت قهرمان ملی افغانستان، احمدشاه مسعودشهید (رح)، روز ۱۳ ماه سپتمبر، از ساعت چهارونیم دیگر تا نه ونیم شب، در چری بلاسم بنکویت هال، واقع شهر سترلنگ درحومهٔ واشنگتن دی سی دایرشد، جمعی ازافغانهای مقیم امریکا بعنوان پنالیستها، باب مذاکره و مباحثه درموردشخصیت شهیداحمدشاه مسعودوسایر شهداعراگشودند، وهر یک با سخنان مرتبط باموضوعات اصلی برنامه که همانا تحلیل افکاروعقاید قهرمان ملی دربارهٔ افغانستان و آیندهٔ آن بود، موضوع رازجهات مختلف بررسی و مرورنمودند.درین مجلس که تعداد کثیری از افغانها حضورداشتند، باب گفتگو بین حاضران و پنالیستها، مطابق طرح اصلی برنامه آغازشد، ودرچندنوبت حضار درموارد مختلف از اعضای بنال که مشتمل برچهارنفر بود، سئوالاتی نمودند. درین پائل جنابان داکتر غلام محمد دستگیر(ازایالت کلورادو) انجنیر عبدالصبور فروزان(از ایالت نیوجرسی)، پروفیسرداکتر حمید هادی (از ایالت کرویلیا شمالی وداکتر عبدالوهاب هادی (از ایالت ورجینیا) اشتراک داشتند، و مسایل بعد از تحلیل و تجزیه، منتج به تحریر و تثبیت این فیصله نامه شد.

شاملان همآ یش بیش از پنجمصد افغان مقیم ایالات متحده، فیصله نامهٔ ذیل رابه عنوان نظرات اصلاحی وپیشنهادات خویش به دولت و حکومت افغانستان، سازمان ملل متحد، وزارت امورخارجهٔ ایالات متحده ودیگر مراکز ذیربط، تصویب کردند :

یک ـ مسعودشهیدبانگرانی زیاد پیوسته به دولت پاکستان، مراکز تروریستی آن وحمایت امریکا ازین حکومت دکتاتوری انتقاد میکرد. حکومتهای پانزده سالة افغانستان درین مورد ناکام مطلق بوده اند.

درارتباط به مداخلات پیهم و لاینقطع حکومت پاکستان در امور افغانستان، و پشتیبانی بیشرمانه ومبرهن اسلام آبادوای اس آی درتخریب امنیت وافزایش پریشاحالی مردم افغانستان، به واسطهٔ طالبان وحمایه، تشویق، سازماندهی و تربیت، تسلیح واعزام آنان به کشورما جهت کشتارمردم وتخریب زیربناهای اقتصادی، تصمیم گرفته شد به دولت و حکومت افغانستان توصیه شود تابا اتخاذ پالیسی جدید و اقدام جدی، مبنی براینکه اول بادولت پاکستان صادقانه وقاطعانه موضوع طوری طرح گرددکه دولت آن کشور متوجهٔ خطاهای آشکارایش چه در سطح افغانستان وچه در سطح منطقه وجهان در مسایل افغانستان گردد.

دو ـ احمدشاه مسعود با گفتهٔ معروفش که برای یک وجب خاک کشور، با خون خود دفاع میکند، ازحامیان بزرگ آزادی واستقلال افغانستان بود. زمام داران امروزی در آزادی کشور، خصوصاً نفوذ خارجیان ازمرزهای جنوبی و جنوب شرقی کشور غفلت ورزیده اند، ازسوی دیگر در قناعت دادن به امریکا در اجرای موافقتنامهٔ امنیتی وهمکاری ستراتژیکش باافغانستان ناکام بوده اند. لذا باید با مقامات مسئول امریکا بویژه فرماندهان نیروهای مسلح آن درافغانستان، موضوع مداخلات پیهم پاکستان، نه به شکلی که تاکنون با انحرافات وتغییرات مبهم مطرح بوده، بلکه با صراحت تمام به آن جانب تفهیم گردد که ادامهٔ همچو اعمال پاکستان برای افغانستان وملت آن غیرقابل قبول است.

بنابرآن به تأسی ازمواد مندرجهٔ موافقتنامهٔ همکاری ستراتژیک و امنیتی بین افغانستان وایالات متحده، ملت وحکومت افغانستان از امریکا میخواهد به انحرافات گستاخانه وقبیح پاکستان ااصل مراودات همسایگی دوستانه و بیغرضانه دربرابر افغانستان پایان بدهد، درغیر آن، موجودیت موافقتنامهٔ ستراتژیک وامینتی بین دو کشور، از دیدگاه ملت روشن بین افغانستان غیرموجه وی دلیل شمرده خواهد شد.

سه : موضوع تجاوزات ومداخلات بیشرمانهٔ نظامیان پاکستان، باید از طرف حکومت افغانستان به شورای امنیت سازمان ملل متحد ودر صورت لزوم به مجمع عمومی ملل متحد پیش گردد، تاجهانیان از موقف برحق مردم وحکومت افغانستان دربرابرمداخلات و تجاوزات روشن و برهنهٔ پاکستان درامور افغانستان آگاه گردند، ودرزمینه از حقوق حقهٔ مردم رنج دیدهٔ افغانستان دفاع نمایند.

چهار : در ارتباط به اصل اعتبار وحیثیت حکومت وحدت ملی و دولت پیشین افغانستان، برای مقابله بادشمنان خارجی ومنفعت جویان بین المللی، هرچه بیشتر خودرا ضعیف ثابت کردو پیداست برای رفع آن هیچ مشی وپالیسی ندارد. محفل تصمیم گرفت این موضوع به سمع مسئولین حکومت فعلی افغانستان رسانیده شودکه ملت هرگونه راه حل اساسی رادر تطبیق واقعی قانون اساسی مصوبهٔ سال ۲۰۰۴م و تصویب آن درلویه جرگهٔ آن وقت سراغ دیده، تطبیق هرچه زودتر آنراپس از حوادث ناگوارانتخاباتی سال پیش، جدا تقاضا دارد.

حکومات پانزده سال اخیر درطرز حکومتداری، عدالت اجتماعی، مجادله بافساد اداری، حمایت از حقوق بشر وخصوصاً حقوق زنان، ومهمتراز همه، پیروی ازقانون، ازمسیر افکارمسعودشهید یا بیرون گذاشته اند. مبرهن است تانگنمگی که قانون اساسی افغانستان اعتبار وحیثیت دولت افغانستان رادر اذهان مردم خود به کرسی نشاند، دولت پیوسته در ضعیف قرارخواهد داشت، و باتأسف تمام از اجرای امور محولهٔ خود طبق قانون اساسی، عاجز خواهد شد. این وضع باید هر چه زودتر به سوی پابندی کامل به قوانین کشور تغییرمسیر بدهد.

پنج : درزمینهٔ تدقیق دربارهٔ مرگ شهداء، وسوء قصدهای بعمل آمده در برابر آنها، بویژه دربرابر شهیدمسعود، پنالیستهابازهم به این عقیده شدند که بدون پایه گذاری مجدد قانون اساسی و گذاشتن شالودهٔ مؤسسات حقوقی پیشنهادی آن سند ملی، وایجاد دستگاههای مؤثق عدلی وقضایی، هیچ افغان به درک واقعات دراماتیک بیش آمده برای شهدای راه آزادی افغانستان، چه در گذشته چه درسالهایی جاری موفق نخواهدشد. تضمین همچو یک تحقیق، مستلزم اعادهٔ مجدد قانون اساسی وپایه گذاری متین مؤسسات عدلی وقضایی افغانستان است. شش ـ در ارتباط به وضع جاری، پنالیستها وحضار مشمول دراین گرد همآیی تاریخی همه از آیندهٔ افغانستان جدا اظهارنگرانی کرده با همنوایی تمام، خواهان فعال شدن جمعی افغانهادر داخل وخارج میهن برای یک همبستگی ملی، استحکام قانون اساسی، ایجاد مؤسسات موثق ویش بینی شده درقانون اساسی و طرح سالم برای رفاه و سعادت مردم افغانستان درساحات رفع فساد اداری، ازین بردن مواد مخدر که حاصل فروش آن همه بجیب دهشت افگنان طالب و حامیان نظامی پاکستان میریزد، هکذا برای ارتقای نام مجددافغانستان عزیز، خواهان فعالیت شدید شباروزی همه گردیدند. (دنباله درصفحهٔ هشتم)

|                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------|
| <b>Amald Weekly</b>                                             |
| <b>P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310</b>                      |
| <b>Tel/Fax<span> </span>: (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604</b> |
| <b>mkqawi471@gmail.com</b>                                      |
| <b>ناشر و مدیر مسئول<span> </span>: محمدقوی کوشان</b>           |

### داکتر احسان انتظار شمال کالیفورنیا در بارهٔ فرهنگ

ـ دربارهٔ فرهنگ مردم صحبت میکنند بدون آنکه معنای آنرافهمندواز ماهیت آن آگاهی داشته باشند. ما در اینجا این واژه رابه بررسی میگیریم، تاماهیت و ابعادآن روشن شده باشد. تحلیل وتجزیهٔ فرهنگ، تشریح فرهنگها ومقایسهٔ آنها رابا یکدیگر میسر میسازد.

ـ (فرهنگ) یگانه اصطلاحی نیست که از آن درایات دری / فارسی استفاده میشود. (ثقافت)، (کتور) و(کلچر) نیز بکارمیرود. آنانیکه به زبان عربی دسترسی دارند، کلمهٔ (ثقافت) راتر جیح میدهند، فرانسوی زبانان کلمهٔ (کتور) وانگلیسی زبانان از کلمهٔ (کلچر) استفاده مینمایند. معضلهٔ تعدد مصطلحات به غیر معیاری بودن یک زبان دلالت میکند، لوحهٔ یک وزارت یک وقت( وزارت اطلاعات و فرهنگ) و زمان دیگر (وزارت اطلاعات و کلتور) میباشد، معیاری ساختن کلمات ایجاب میکند که دانشمندان باهم بنشینند ویرسر فقط یک کلمه توافق نمایند. این امر به سردرگمی و ابهام پایان میدهد.

برای نل به این هدف، اولاً بایدتحقیق صورت گیرد که کدام ازین کلمات کثرت استعمال بیشتر داردو بیشتر نویسندگان از آن استفاده میکنند. انتخاب کلمهٔ (فرهنگ) بنابر سجه وخالص بودن، غیر علمی میباشدوهیچ زبان درجهان صد درصد خالص وبدون کلمات وواژه ها از زبانهای خارجی نمی باشد، کوشش هاییکه درین زمینه صورت گرفته، بی نتیجه بوده است. کثرت استعمال یک کلمه بایست معیار قرارداده شود.

ـ مطالب مهم دیگری که فهمیدن معنای فرهنگ درخور اهمیت است، همانا تشخیص معنای حقیقی ومجازی این کلمه میباشد. معنای حقیقی یک کلمه آن است که درقاموس ها برای تعریف یک کلمه درج میشود، واحساسات دراین امر دخیل نیست، اما درمعنای مجازی احساس گوینده / نویسندهٔ موجودمیباشد که جنبه های مثبت ومنفی دارد. اگر گفته میشود که (فرهنگ یک جامعه رسم وروح وآبدات تاریخی میباشد.) از معنای حقیقی استفاده شده است، یعنی تعریف در قاموس درج شده است، اما اگر گفته شود که فلاّن شخص /جامعه (بی کلتور) است وفلاّن (با کلتور)، کلمهٔ فرهنگ به معنای مجازی آن بکار رفته است. دلیل آن هم این است که گوینده / نویسنده در یکی طرفداری وحمایت خویش را ابراز میدارد، ودر دیگری احساسات فلسفی ـ یک مثال دیگر، در زبان انگلیسی کاربرد کلمهٔ home ghoe یاخانه به ارتباط معنای حقیقی و مجازی میباشد. کلمهٔ اول معنای حقیقی را ارائه میکند، اما دراستعمال کلمهٔ دوم حساس عشق ومحبت واستراحت وغیره ابراز می شود.

ـ درمعنای حقیقی فرهنگ نیز تفاوتهایی وجوددارد، یکی از تعریفهای عنعنوی ودیگر تعریفهای معاصر. اکثر تعاریف اسبق درقاموس هادیده میشود، مثلاً (فرهنگ عبارت از رسم ورواج، عادات، زبان، ادبیات وآبدات تاریخی یک جامعه راتشکیل میدهند.) بنابر همین تعریف در کنایهای دربارهٔ افغانستان نگاشته شده، به ارتباط فرهنگ یک فصل دربارهٔ این مسایل بحث میکند. بطورمثال لوی دوپری Dupre ـ در کتاب کلاسیک خویش تحت عنوان (افغانستان) در یک قسمت کتاب خویش به ارتباط فرهنگ افغانستان، ازقبایل واقوام، رسوم و عادات، زبانها، طرز خوراک ولباس پشتونها، تاجیکها، هزاره ها، اوزبیکها وغیره صحبت میکند. ازمین لحاظ غربی هادر لکچر و مقالات، این جوانب فرهنگی رامورد بحث قرارمیدهند. اما بالین معلومات نمی توان چراهای یک جامعه را جواب داد، مثلاً چرا افغان هامنافع شخصی، خانوادگی، قومی رابرمنافع علیای کشور ترجیح میدهند؟

ـ چراهای یک فرهنگ وقتی جواب داده میشود که آنرا به صورت علمی تحلیل وتجزیه کرد، وقواعد آنرا مثل قواعد یک زبان استخراج نمود. اما این نوع تحلیل کار آسانی نیست ومثل زبان به فعالیت دماغی انسان تعلق میگیرد. ازمهین لحاظ پیشرفتهایی درین زمینه نتیجهٔ تحقیق ومطالعهٔ دهه های اخیراست. در اول نوام چامسکی Noam Chomsky زبانشناس معروف امریکا گفت که تحلیل وتجزیهٔ زبان به دماغ انسان تعلق میگیرد، تاوقتی که فعالیت دماغی مورد تحقیق قرارنگیرد، نمی توان زبان رابه درستی تحلیل وتجزیه کرد. این امر سبب شده که چامسکی در زیانشناسی درساله‌های ۱۹۶۰ انقلاب ایجاد کند.

بعلا یک انسانشناس هالندی، گیرت هافتد Greet Hoftedبعد از مطالعهٔ علمی فرهنگ، بااستفاده از مدل بعدی Dimentional Analysisخود پیشرفتهای قابل ملاحظه را در تحلیل وتجزیهٔ فرهنگ آورد. وی بااستفاده از مصطلحات عمیق تر فرهنگ راجنین تعریف میکند: (فرهنگ، پروگرام کردن دماغ است، هر فرهنگ فکر وذهن اعضای خود رابطور خاص برنامه ریزی میکند.

ـ من این مدل تحلیل وتجزیه رابعلازمطالعهٔ درافغانستان درساله‌های ۲۰۰۲ ـ ۲۰۰۵ آزمایش کردم. کتاب من تحت عنوان (مبادی فرهنگ افغانستان (Afghanistan 101: Understanding Afghan Cultureدرسال ۲۰۰۸ به چاپ رسید، این کتاب مورد استقبال مردم، خاصاً امریکا قرار گرفت و در حدودسی هزار واحد آن به فروش رسیده است، زیرا خواندن این کتاب برای امریکایی که به افغانستان میروند، حتمی میباشد.

ـ مطلب مهم دیگر فهمیدن ارزشهای فرهنگی میباشد. ارزشها مثل خشت دریک عمارت، فرهنگ راتشکیل میدهند. ارزشی فرهنگی عبارت از ترجیح دادن یک حالت نسبت به حالت دیگر میباشد. مثلاً افغانها خوردن گوشت ونان را بصورت شورا نسبت به خوردن ساندویچ مرجح میدانند. ارزش شخصیت انسان رامیسازد وفرهنگ شخصیت جامعه را ـ بر علاوه ارزشهای فرهنگی انفرادی و گروهی نظام عقیدتی یک جامعه را تشکیل میدهد. همچنان ارزشهای فرهنگی غیر عقلانی non-rafroral نموده، دبل منطقی ندارد. اینکه افغانهاچراشوربا رابرساندویچ ترجیح میدهند، دلیل منطقی ندارد بجز اینکه گفته شود این نوع غذا را خوش دارند ـ بالاخره مشخصات فزیکی (رنگ جلد، شکل چشم وینی) سخت افزار hardcopyیک فرهنگ، ومشخصات فرهنگی نرم افزار فرهنگ راتشکیل میدهد.

ـ ارزشهای فرهنگی انواع مختلف دارد : خوب/ بد، ثواب / گناه ، مجاز /غیر مجاز، حلال / حرام وغیره ـ همچنان بعضی ارزشهای دوست داشتنی وبعضی هم عادی میباشدند. ارزشهای نوع اول یادوست داشتنی ایدال بوده که در زبان دری از کلمهٔ (باید) در آن استفاده می شود، (من باید نصوار) (دنباله در صفحهٔ ششم)

انجنیر عبدالصبور فروزان

**سختی چند از اندیشه های احمدشاه مسعود (۲)**

پس از آن روزخوبینی که طالبان بیرحمانه شهر کابل را راکتباران کردند و شهرپراز شهدای گلگون کفن شده بود، سیل خبرنگاران از هرگروه وازهر کشوری در کابل سرازیرشد، هو تل انتر کانټیننټال و جرمن کلب دِیگرگنجایش آنهارانداشت. این خبرنگاران آمده بودند تا ویرانی شهررابعداز فیرپنج هزار راکت ببیند وازیچارگی ودرد مردم ماعکسها بگیرند ونوارها تهیه نمایند. بازار شان گرم بودو بعضی خبرنگارهم نبودند، بلکه درلباس خبرنگار آمده بودند تا حاصل پلان حملهٔ راکتی طالبان را ارزیابی نمایند که به چه اندازه است؟ پشت مسعود راخم ساخته ؟ آیاتوان دوام مقاومت رادارد ویا خلاص شده است؟

مردم هنوز مصروف دفن عزیزانشان ومصروف عزاداری و غمداری بودند، ویرانه های خانه هاییرا که راکت اصابت کرده بود وساکتین آنها هنوز درزیر انباری ازسنگ وخشت وچوب دفن بودند، با بیل و کلنگ وبآبلهٔ دسته‌ها، بادل پرغم واشک چشم میکنند تامگر پارچهٔ جسدی ازعزیزی را پیدا کنند وبه آن تسلی دل دهند. بعضاًز همهٔ خانواده هیچ توه تو پارچهٔ پیدا نمیشد، چون راکتها به اندازهٔ قوی بودند که اجساد انسانهارا پارچه پارچه وپراکنده ساخته بود...

چند هفتهٔ ازین راکتباران مدهش طالبان نگذشته بود که شخصی بنام اخضر ابراهیمی بکابل آمد. این شخص که ماموریت صلح ازطرف ملل متحدداشتت، ملاقاتهایی بااستادربانی ومسعود نمود. گرچه در ظاهر اونام ماموریت صلح آمده بود، اما درواقعیت برای ارزیابی قدرت مسعود ودولت افغانستان دربرابر طالبان واینکه آیا این پلان مدهش را کتی، مسعود ودولت رامجبور به کنار آمدن باطالبان نموده یاخیر؟ بکابل سفر کرده بود. او درملاقاتهایش بامسعود خیلی مأیوس به نظرمی آمد، چون میدید که مسعود هنوزنیزومند، مصمم وآمادهٔ دفاع در برابرطالبان است. این شخص که زیرنام ماموریت صلح کار میکرد، از طرفداران سرسخت طالبان بود و یکی از پایه های حلقهٔ بود که برای بقدرت رساندن طالبان وسقوط مسعود تپ وتلاش مینمود.ابراهیمی ازالجزایر بود که دوهموطن او بدستور حلقه ایکه برای قدرت گیری طالبان جدوجهمینمود، تحت پوشش خبرنگار، به شکل ناجوانمردانه مسعود راشهید ساختند.

چون این پلان نیز کاری نیفتاد، پاکستانیا وتمولگران مالی طالبان درصدد شدند تا توانمندی نظامی طالبان را افزایش دهند. فیصلهٔ ایشان به آن شدتافوج پاکستان سر رشتهٔ جنگ رادر دست گیرد، وعساکر پاکستانی همراه یاهمه تروریستهای عربی والجزایری وغیره دوشا دوش طالبان علیه مسعود بچنگند تا توازن نظامی برهم بخورد، طالبان پیروز شوند، مسعود دستگیر ودولت اسلامی افغانستان سقوط نماید. شامل شدن مستقیم قوای مسلح پاکستان وتروریستهای عرب که برای شان گفته بودندمسعود کافر است، واقعا توازن نظامی را ازین برد، و طالبان توانستند تابه شهر کابل نزدیک ونزدیکترشوند، وشهر جلال آباد را اشغال کردند، وفشار زیادی بردولت زیاد ترشد وحلقهٔ حامی طالبان و ابراهیمی نیز جزوشان بود، وتاحدی اطمینان یافتند که همکاری فوج پاکستان، پروژهٔ بقدرت رساندن طالبان رابه اكمال می رساند، اما از مسعود سخت درهراس بودند ووجوداو رابسیار خطر بزرگ تلقی میکردند.

روی این دلیل وزارت خارجهٔ امریکا خانم رابن رافل را که درآن زمان خانم قبلند و زیبایانی بود، نزد مسعود فرستاد تا اگر مسعود را آمادهٔ سازش ومجبوریه معامله باطالبان نماید. خانم رافل دوبار بامسعود دیدار کرد، یکی دراستالف ودیگر در میدان هوایی بگرام. حتی زیبایی استاد در آن زمان این خانم رابه اندازهٔ تحت تأثیر آورده بود که شبی رادر آنجاسیری کرد ومیگفت حیف این کشور زیبا که ویران شود. چون آن خانم از پلان واقف بود، پیوسته به مسعود می گفت که باید با طالبان کنار آید، او بیشتر تمایل پاکستانی وطالبی داشت. در دیداراستالف، مسعود نزاکتهای مهمان نوازی راسخت مراعات کرد، وهرچه به این خانم بازبان دپلماسی میگفت که برای او طالبان و پاکستان هرگز قابل قبول نیست ـ ویلان خارجی راهرگز نمی پذیرد، ولی رافل اصرار میکرد. در ملاقات میدان هوایی بگرام، باز مسعود به موقف خود پافشاری کرد وخانم رافل شروع کرد که مسعود را از قدرت طالبان بترساند، توانمندی طالبان راتشریح کرد و به مسعود گفت که ایشان دردروازه های کابل رسیده اند وتوجارهٔ دیگر جزاین نداری که باایشان کنار یایی، زیرا ایشان پروژهٔ است که حتماً به قدرت میرسند ـ.

مسعود دید که این خانم از حد خود بالاتر حرف میزند، لذا دپلماسی را کنار گذاشته، کلاه خود را روی میز ماند وگفت: (خانم رافل اگر به اندازهٔ این کلاه یک جای درافغانستان باقی بماند که دوای من در آن جاشود، تا آخرین لحظهٔ حیات از این کشور دفاع می نمایم!) مسعود از جایش بلندشد خداحافظی کرد، اول او از اتاق بیرون شدوبعد خانم رافل ـ از سروروی خانم رافل به وضاحت خوانده میشد که اودرین ماموریت تا کاهی خود را احساس کرده، ودانست که مسعود را نمی توان خرید ونه شخص معامله گراست، بلکه از خوداستقلال ویلان دارد وشجاع ودلیر وباروحیات قوی است.

وقتی معاون وزارت خارجهٔ امریکا نتایج ماموریت خود رابه مقامات مربوط تقدیم کرد، حامیان وتمولگران مالی پروژهٔ بقدرت رساندن طالبان به پاکستان چراغ سبز دادند تا هرچه از قوای زمینی وهوایی دارد بکاربرد ـ. شرایط ضیق و ضیق ترشد، مسعود دانست که توازن قوا برهم خورده واگر مقاومت کند، آتش جنگ شهر کابل وشهر وندا نش رابه نابودی میکشاند، ونتیجهٔ مقاومت جز تباهی مردم ییگانه و تبدیل شدن شهر به یک کورهٔ آتش چیز دیگری نیست. مسعود با دراکتیب بی نظیری که داشت، پلان تخلیهٔ کابل راجنان طرح کردو قوای خود را طوری از شهر بیرون کرد که حتی بینی کسی هم خون نشد، وخط جبهه را تغییر دادوبا نیرومندی بیشتر وشجاعانه پایداری ورزید، ضرات سنگین بر طالبان وحامیان پاکستانی شان وارد کرد.

مسعود قبل از ترک کابل، نخست استادعبدالعلی دانشیار، استادفاکولتهٔ حقوق را نزد داکتر نجیب در تعمیر ملل متحد فرستاد تا به او بگوید که اوضاع خوب نیست، کابل راتخلیه میکنم وشما با منروید که جان تان در خطر است. نجیب به آقای دانشیار گفت: (برای من لخضر ابراهیمی اطمینان داده که سازمان ملل با مقامات پاکستان صحبت کرد، وجان من درامان است، همچنان وزیرخارجهٔ پاکستان تلفونی بمن گفت جان تودرمان است واز تعمیر ملل متحدشور نخوری!) استاد دانشیار بعدا دردوران مقاومت، همراه با شهیدعبدالرحیم (دنباله در صفحهٔ۶)

**افغان فونديشن تقديم می کند :**

## داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

## با سر نوشت هفت پادشاه ما

**برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)**

**The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362**

**Telephone: 805 241 0780**

عبدالودود ظفری
المیدا - کالیفورنیا
نه جنگ و نه صلح
مایکل فلیپ، روزنامه نگار وال ستربت جورنال، گزارشی را زیر عنوان (نه جنگ تمام عیار و نه صلح کامل) در شمارهٔ ۲۹ اگست ۲۰۱۵ آن روزنامه به نشر سپرده است. پس از یک تبصرهٔ کوتاه، بر گردان فارسی گزارش خدمت تقدیم می شود.

حضور ۱۴سالهٔ قوای خارجی به سرکردگی امریکادرافغانستان، حالات را آتچنان که آرزو میرفت، نه تنها بهبود نبخشید، بلکه آنرا بسیار بدتر نمود. جدا از کارهایی که دراحداث و ترمیم جاده ها، انکشاف معارف وصحت عامه که به کمک مستقیم نهادهای بین المللی و انجیوها صورت گرفته، کارقابل ملاحظهٔ بنیادی در آوردن صلح واستقرار امنیت، بهبودزندگی مردم، باآنهمه مصارف ملیارد دالری کمکها، عملی نشده است.

مسئول درجه یک اینهمه نابسامانها، خرابی کامل امنیت و نارضایتی مطلق مردم، حکومت بی کفایت حامد کرزی بود، که توانست از شرایط بسیار مساعد استفاده بهینه بلمارد، کارخلق کند، زمینهٔ احداث دستگاههای صنعتی و یرق را آماده سازد، زراعت و مالداری را که محور اشتغال ومنبع درآمد ملیونها روستایی ودهقان میباشد، انکشاف دهد، سطح تولید را بالا ببرد تا مردم محتاج واردات مواد خورا که نمی بودند. جای شرم است که یک کشورزراعتی به ارزش ۴میلیارد دالری که خورا که وارد میکند.

اکنون کرزی لاف زنان بامتنهای چشم سفیدی ادعا میکند که در آمد سرانه از ۱۵۰ دالر درسال ۲۰۰۱ به ۷۰۰ دالر افزایش یافته است. آن افزایش نتیجهٔ کار وتولیدات داخلی نبوده، دراتر سرازیر شدن ملیارد هادالر کمک خارجی، عواید تولید وقاچاق تریاک، اقتصادجنگ و مصارف نظامی میباشد، که باحضورقوای خارجی ممکن شده است. بخش بزرگ افزایش عوایدسرانه به جیب حواریون، خانواده، قوم و قبیلهٔ کرزی، دزدان دولتی، قاچاقبران، غاصبان ملکیتهای عامه، قوماندانهای جهادی وزور آوران محلی ریخته شده، اکثریت مطلق مردم از آن محروم بوده حتا اوضاع معیشتی شان در اثر صعود قیم مواد، بدتر از سال ۲۰۰۱ می باشد. سیل بیشمار گداها ونیازمندان محتاج کمک که هرروز از کسانالهای تلویزیون های داخلی افغانستان پژواک داده میشود، ثبوت این ادعاست .

حکومت غنی وعبدالله توان اصلاح نابسامانی هایی راندارند که از حکومت ۱۴سالهٔ کرزی به ارث برده اند، زیرا از یکسو طرح پالیسی و مرکز تصمیم گیری یکدست نمی باشد، وازسوی دیگر امکان پولی و حمایت جامعهٔ جهانی بصورت قابل ملاحظهٔ فروکش نموده و روحیهٔ قبیله پرستی و نپوتیزم در میان رهبران حکومت ومشاوران شان بسیار شد ید میباشد.

امریکائو تاو که ظاهراً به نهانهٔ زدون رژیم طالبان وشبکهٔ القاعده در واکنش به حملهٔ ۱۱ سپتمبر بر عمارات پنتاگون و مرکز تجارت بین المللی، که در آن یش ازسه هزارانسان بیگناه بکام مرگ فرورفتند، در سال ۲۰۰۱ به افغانستان هجوم بردند، درضمن قرار بود افغانستان را بازسازی بدارند، به ارتش و پلیس آموزش دهند و درتشکیل نهادهای دمو کراتیک کمک نمایند تا امنیت برقرار گردد. تا کنون امریکاو نا تو ملیارد هادالر رامصرف نمودند، هزاران سرباز تلفات دادند، شمار زخمیها ومریضان روحی ناشی از جنگ قابل ملاحظه میباشد.

امریکا و نا تو بخش اعظم نیروهای خود را از افغانستان خارج کرده اند وقرار است تاختم سال ۲۰۱۶ متباقی قوا را بیرون بکشد و فقط یک قطعهٔ محدود را برای تأمین امنیت سفارت امریکادر کابل بگذارند. شاید امریکا درهجوم بر افغانستان، آنچه در نظر داشت، بدست آورده باشد، ولی مردم افغانستان کما کان در ناامی های بدتر از سال ۲۰۰۱ قرار دارند، طالبان والقاعده قوت زیادتربدست آورده اند وبدتر از آن گروه ضدانسانی داعش بر آنها فرو رده شده است، امنیت وجود ندارد، نارضایتی مردم، فرار سرمایه وفرار جوانان افغانستان رافالج کرده است، باخروج کامل قوای امریکاو ضاع به مراتب بدتر میشود، و آنچه باقیمانده، تباه میگردد. اینک برگردان فارسی گزارش کلیپ:

\*\*\*\*\*

قوتهای خاص امریکا که در افغانستان باقی میمانند، وظیفهٔ بسیار نازک و حساس پیشرو دارند: جنگ با باغیان و آموزش قوای محلی . امریکادر افغانستان نه در یک جنگ واقعی ونه در یک صلح کامل قرار دارد. قوای خاص در میدان جنگ قوای افغانی را یکی دیوار در روز همراهی می نمایند، رهبران باغیان رادر حملات ناگهانی بقتل میرسانند و بادستگیر میکنند. قوای امریکابه داخل عمارات برای جستجوی باغیان نمیروند . جرخبالهای امریکا بصورت مرتب حملات هوایی رابر مواضع دشمن انجام میدهند و در راهایی قوای محاصره شدهٔ افغانی وامریکایی می پردازند. این حملات ۷۰٪ کمتر از حملاتی میباشد که یکسال پیش صورت میگرفت، اکنون حملات به اجازهٔ مقامات بلند انجام میشوند.

یک نظامی ارشد در قوا ی خاص بیان داشت: (ما می توانیم وظیفهٔ افغانها را بجای آوریم، ولی هدف ما آنست که آنها خود کفایت و توانایی پیدا کنند که مستقلانه وظیفه اجرا بدارند. مادر جاهایی که ضرورت باشد کمک میکنم.) بیس از یکسال امریکا عملیات قوای خاص خود را در افغانستان سری نگهداشته بود، اما در هفتهٔ پیش مقامات نظامی اجازه دادند که گزارشگر وال ستربت جورنال از انواع یو تنهای کماندو که آخرین فصل زد وخورد در دراز ترین جنگ امریکامیباشد، دیدن کند. قوای خاص قسمت اعظم وظایف امریکا رادر افغانستان پیش میرند ومسئولیت دارند اطمینان حاصل بدارند که قوای نخبهٔ افغانستان، پیش از آنکه قوای امریکا بر اساس تصمیم او باما در ختم سال آینده بصورت کامل از افغانستان خارج میشوند، خودشان به تنهایی جنگ را رهبری کرده بتوانند.

قوای خاص امریکا مشکلات عراق را که پس از خروج امریکادر سال ۲۰۱۱ بوقوع پیوست، وقوای تریبه شدهٔ عراق از هم یاشید و در برابر حملات دولت اسلامی (داعش) سقوط کرد، بخاطر دارد. داعش در افغانستان در حال پیدایش میباشد . یک افسرارشد قوای خاص امریکا اظهار کرد: (ما همیشه در افغانستان در صورت ناکامی ستراژی، حضور خواهیم داشت.) او باما شمار سربازان امریکا رادر افغانستان، که در اوج جنگها که سال پیش بیش از یکصد هزار بود، به ۹۸۰۰ سرباز کاهش داد و وعده سپرد که باز هم شمار سربازان را در ۲۰۱۶ کاهش میدهد و آنها را تا اندازهٔ میرساند که بتوانند امنیت سفارت امریکا رادر کابل تأمین بدارند .

برخلاف کرزی، رئیس جمهور کنونی احمدزی، بار ها از قربانیهای ارتش امریکا در افغانستان قدر دانی کرده و شاره نموده که خواهان حمایت بیشتر و انتحای سیاست امریکا پس از سال ۲۰۱۶ می باشد. اما وی بصورت آشکارا تقاضای حضور دوامدار قوای امریکا را پس از سال آینده نکرده است. حنیف اتمر طی یک مصاحبه رماه جولای گفت که کابل در جستجوی آنست که در حقیقت خلایی در قابلیت، بویژه در حمایت هوایی واستخباراتی ایجادنگردد . قوای باقیماندهٔ امریکا به وظایفی اشتغال میداشته باشد که با آنچه در اوایل جنگ انجام میدادند، کاملاً تفاوت میداشته باشد. در جریان پیش از یک هفته قوای امریکا بصورت دوامدار در خانه های گلی، مزارع تریاک وسراشویی های کوها در افغانستان در جدال بوده و بیش از ۲۳۰۰ سرباز پس از حملهٔ ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ تلفات داشته است. حملهٔ ۱۱ سپتمبر بدریاگه القاعده در افغانستان طرح شده بود که سبب واکنش جدی امریکا و تجاوز بر افغانستان، برهبری آنکشورش. در جنوری حکومت کابل رسماً مسئولیت تأمین امنیت خود (دنباله در صفحهٔ ششم)

دا کتر غلام محمد دستگیر

**چهاردهمین سالگرد شهادت احمدشاه مسعود**
برای تجلیل سالگرد شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان اینسبار خواستم از همسنگران او که در کتاب **Massoud, An Intimate Portrait** تألیف بانو ماریسلا گراد بااو همکاری نموده خاطرات خود را بیان داشته اند چند مثالی حضور شما عرض بدارم: از یکسوبا بعضی از آن همسنگران دلیر، شجاع و مجاهدین ملی ما آشنامیشویدوازانجانب دیگر معلومات مستند و راستین دربارهٔ آمر صاحب شهید از شاهدان عینی بدسترس تان قرار میگيرد: شروع میکنم باچند گفته بحث پیشگفتار، بعد دربارهٔ روش اجتماعی، سیاسی، حری، فرهنگی واقتصادی چندمثالی تقدیم نموده بر انحرافاتیکه از روش شهید مسعود در هر قسمتهای فوق رخ داده است تبصیره نموده درصورت لزوم آنچه من فکر میکنم چارهٔ آن باشد تذکر خواهم داد. وبعد از یک نتیجه گیری با پارچه شعریکه استاد محترم ویزر گوارم پروفیسر عبدالواسع لطیفی سروده اند وعنوان دار دلقهر جاسم ترا مینویسم!! نوشتهٔ خود را پایان می بخشم:

فرید ز کرباء در صفحهٔ ۲۴۳ کتاب مسعود، تشریح بالخاصهٔ پیکر لیدر افسانوی افغان، توسط ماریسلا گراد، مینویسد: من بخاطر دارم ،یک خانم انگلیسی که برای دیدن مسعود در پاریس آمده بود ومن او را در لای هوئل دیده بودم باز به او روبرو شده داخل مصاحبه شدیم.او در بارهٔ مسعود برام گفت: بسیار عجیب است !یک مرد رزمی که ۲۵سال در جنگ سپری نموده چنین آرام و مسالمت آمیز دیده شود. من فطالدار فکر آن نبودم که مسعود شخصیتی داشته باشد که دیدارش بر من تاثیر ونفوذ عمیق پیدا کند. شما فکر کرده نمی توانید که او یک مرد نظامی تنگد بدست است، بیشتر فکر میکنید که او یک فیلسوف است.

در عین روز من با مسعود ملاقات داشتم، قصه وار زیبایی آن خانم را برایش قصه کردم و پرسیدم؟ راستی چطور امکان دارد که تحت شرایط بسیار نامساعد وطن شما در نظریک ژورنالیست آنهم انگلیس یک فرلفسالمات آمیقا نمایان شوید؟ جواب داد: بسیار خوب من هدف خودم را دارم که مهمترین جزء زندگی من است. وقتیکه شخص درک کند که چه هدف دارد، باقی همه چیز برایش آسان میشود. اگر شخص برای رسیدن بهدف خود از هیچگونه مبارزه دریغ نکند، بعدخواه به هدف خود برسد یا نرسد، هنوز هم درست است. هدف من آزادی ملت ماست! من با همه قدرتی که برام میسر است مبارزه میکنم تا به آن موفقانه نایل آیم. اگر به آن نرسم آن تقدیر من است، پس چرا برترم، زیرا که هدف معین دارم و لزومی ندارد که هر روز من طرز تفکر مختلف پیداکنم و براهی که روان هستم تغییر دهم. از همین خاطر هست که من آرام و مسالمت آمیز هستم، و هیچ تشویشی هم ندارم.

انحراف ازین روش مسعود شهید امروز بر همه هویداست. هدف شان معلوم نیست فلذا هر روز طرز تفکر شان تغییر میخورد و راه های عجیب و غریب که نزدیک است بگودال نیستی خودشان و مردم مارا سرنگون سازند، روان اند. چاره آنست که هر چه زود تر هدف تعین کنند و به مبارزه بر خیزند تا وطن از پر تگاه هلاکت نجات یابد.

شیر دل قادری در صفحهٔ ۲۵۶ ماریسلا گراد، مینویسد : مسعود شهید دوبار خواب دیده است: یکی در سال ۱۹۷۹ که در درهٔ پنجشیر به سرکردگی مقاومت انتخاب گردید؛ او در آتش خواب دید که مرد مسنی میآید و بر کمرش پارچه سبز رنگی را می بندد. بار دوم دوماه قبل از شهادتش بود که آن مرد باز آمد و آن کمر بند سبز را از کمرش دور ساخت. خواب اول معنی قوت و همراهی مردم باو بود و خواب دوم معنی داشت که وقت یا وظیفه ات پوره شد. توصیهٔ مسعود برای یک فامیل افغان در فرانسه: صفحهٔ ۲۶۷، ماریسلا گراد: برای طفل تان هر روز قرآن بخوانید، بخداوند عقیدت راسخ داشته باشیید و ارزشهای قوی را در زن دگی پیگیری کنید، زیرا که افغانستان به این ارزشها ضرورت دارد. شما بحث مهاجر هیچوقت کلچر، ارثیت و زبان فارسی/ دری یا پشتو و یا هر زبان خود را که میدانید فراموش نکنید. من نیک باخبرم که شما در دوری از وطن زحرت بیشتر میکشید نظر به موجودیت تان در داخل وطن. اطفال باید متوجه والدین بوده غمخواری سالخوردگان خود را فرموش نمایند. باید سالخوردگان بیرون از ساحهٔ فامیل جای دیگر زندگی نکنند؛ این عنعنهٔ افغانی ماست که ما همه دور هم در یک خانه زندگی کنیم وبیکخانه بدون سالخوردگان که قصه ها بیان میدارند و از ارزشها نمایندگی میکنند، کدام مفهومی ندارد. انحراف واضح از کلمات حکیمانهٔ فوق شهید احمد شاه مسعود در بعضی از فامیلها وجود دارد. والدین پیر خود را حوالهٔ نرسنگ هوم که کوالیتیهای مختلف داشته از تعلیمات و عنعنات اسلامی خبری ندارند، تسلیم مینمایند. آنها در آنجا به امراض گوناگون و مخصوصا دپریشن و زخهای بستل مصاب شده بییک حالت جگر خراش جان داه کس نمی باشد که زتخش بسته کند و کلمهٔ شهادت در جوارش زمزمه نماید. بسیاری از ما کلچر و ارثیت خود را فراموش کرده نام محمد ما ماد شده و اسم جاهد ما جان، یکمعدادی از افغانهای ما حتی از اسلام برگشته به مسیحیت نادانسته از عزم یموارنگی اخلاق پیمائها و کتابهاییکه تحت نام انجیل مقدس توسط پال و پیتر نوشته شده، پیوسته اند. چاره آنست، تا بیدار شویم و از کلمات حکیمانهٔ شهید احمدشاه مسعود بیااموزیم و بر خود و فامیل خود رحم کنیم.

سیاستیان بگر در صفحهٔ ۲۷۷ ماریسلا گراد نوشته است: من یک شخص پیرو کدام دین و مذهب نیستم. من جنت را دیده نمیتوانم ، پس باید راه خود را درین دنیا و چیزیکه بیش روی من است، پیدا کنم. با ملاقات همراهی مسعود درک کردم که در دنیای ما کسانی وجود دارد که از دیگران متفاوت اند. من فکر کردم که حتماً لیدران بزرگ مذهب در دنیا صاحب چنان کوالیتی بوده اند. با چنین رویه در یک حالت دیگر مسعود میتوانست راه روحانیت در پیش گیرد. اما دیده میشود که موجودیت وی برای یک مقصد دیگر ضروری بوده است. به اینصورت او یک مبارز بود نه یک فرشته. اما مرا متوجه مردان مذهبی ساخت که راه های مهم دینی را بنیان گذاشته اند.

چقدر زیبا نوشته شده و روش و اخلاق شهید احمدشاه مسعود چنان گیرا بود که یک شخص یدین ویی مذهب را متوجه مردان مذهبی گردانید و بر ما و مخصوصا همسنگران یوفایش حیف است که گفتار حکیمانهٔ او را فراموش کرده در دنیای مادیات غرق هستیم .

در موضوعات اجتماعی: ماریسلا گراد مینویسد: چنین بر میآید که مسعود یک قربت یمانند و محبت غیر معمول با مردمانش داشت. مسعود یک لیدر بود اما همیشه همقطار مردم خود و مجاهدین قدم بر میداشت و عمیقترین علایق مردم خود را نصیب بود. در حقیقت او فقط یک مجاهد بود.

انحراف درینجاست که لیدران امروز بعضی قربت، دوری جسته اند و آن محبت غیر معمول مسعودی را در نزد رای دهندگان خود به تدریج محو ساخته میروند. مسعود مجاهد بود و اینها لیدران اند از همین جاست که با مردم همقطار قدم نمیزنند. چاره اش اینست که از اریکهٔ قدرت بر گلیم رای دهندگان شان فرود آیند، با وعده هایشان وفا نمایند و از چند نفر کاسه لسان و مگسان دور شیرینی که فقط مفاد خود نه مفاد ملت مد نظر دارند دوری جویند.

داوود زلای در صفحهٔ ۱۵ ماریسلا گراد نوشته است : او به مجاهدین تحت

### کابل و کولاب و تهرانم. خراسانی‌ستم

شعری از نجیب بارور به پاسخ راهپیمایی اخیر افغان ملتیان و پافشاری ایشان بر درج واژهٔ (افغان) در شناسنامهٔ برقی.

از بخارام، اصیلاً تاجکستانی‌ستم

شهروند مشهد و شیراز، ایرانی‌ستم

رستم و سهراب و فردوسی، منم کاخ بلند

رود کی ام، جامی ام، اشعار خاقانی‌ستم

مادر بومسلم و زایندهٔ کاووس و کی

مخفی ام، فرزانه و سیمین، کاشانی‌ستم

مرز را بردار آقا، آشنای سابقم !

(وی جوی مولیانم) صلح و پیمانی‌ستم

دردهایت دردهایم، ریخ‌هابت ریخ‌هام

سرخ تر از خون تو، لعل بدخشانی‌ستم

خانه‌ام تقسیم در جغرافیای پارسی‌ست

کابل و کولاب و تهرانم، خراسانی‌ستم

(انتحاری، انزجاری، انتحاری نیستم !!!

ناخلف باشم اگر گویم که افغانی‌ستم)

۱۵ سنبله /شهریور ۱۳۹۴(برگرفته از سایت وزین خراسان زمین)

\*\*\*\*\*

قومانده اش اعتماد داشت، سخت میکوشید تامورال شانرا بلند نگه دارد. مسعودبه آنهااخلاق و پرهیزگاری را بیشتر از تانکیهای حربی تعلیم میداد. او برایشان

مهربانتر از پدر و نزدیکتر از برادر بود.

انحراف درینجاست که امروز مورال همه در هر کنج و کنار افغانستان نزدیک به صفرتقرب نموده است. در طرف دوماه اخیر در حدود نهصد هزار نفر که تعداد زیاد آنها جوانها ثروت مملکت اند وطن را ترک و یکمعداد شان که راه های غیر قانونی در پیش گرفته بودند در طول راه تلف شده اند. اخلاق حکمرانی قطعاً وجود ندارد. فساد از همه وقت بیشتر گردیده. این لیدران کنونی دولت برای ملت مثل پدر نه بلکه دشمن رفتار دارند. و از حال ناگوار شان خود را به کوچهٔ حسن چپ زده اند. چاره اینست که ازین خواب غفلت بیدار شوند و با جدیت راه مسعود شهید در پیش گیرند قبل ازینکه خود شان به گودال قهقرا سرنگون شوند.

فرید امین در صفحهٔ ۱۷ ماریسلا گراد مینویسد: مسعود میخواست در پنجشیر برای خود یک کلبهٔ آباد نماید. باید بین این خانه و خانهٔ همسایه اش یک دیوار بلند میکرد. اما درخت خانهٔ همسایه مانعهٔ برای آباد کردن این دیوار بود. بخانه همسایه اش که یک خانم زندگی میکرد رفت و از او اجازه خواست تا چند شاخهٔ درختش را قطع کند و دیوار را آباد سازد. خانم اجازه نداد و او دوباره بزمین خود برگشت و دیوار آباد نشد. او وزیر دفاع مملکت بود می توانست بزور آباد کند و یا او را شکنجه کند، ولی نکرد.

انحراف واضح درهرجا دیده میشود. پارک ملی تصاحب شد، بر قبرهای دورادور مرقد پهلوان صاحب درادامهٔ کوه شیر دروازه خانه ها آباد گردید. خانه های مردم مهاجر بزور غضب شد. اما آن مرد خدا بدون اجازهٔ همسایه اش یک دیوار آباد کرده توانست. چاره اینست که به روش لیدر شان توجه نموده از غضب مال مردم و زمین ملت اجتناب ورزیده اگر هنوز هم ملکیت ناجایز دارند باید دوباره به مالکینش بر گردانند.

شیردل قادری در صفحهٔ ۱۸، ماریسلا گراد نوشته است: روزی یک ویزیتور از پاکستان برایش یک جوره بوت آورد. بوت را پذیرفت اینطرف و آنطرف آنرا بدقت معاینه کرد بعد بیک مجاهدیکه در نزدیکی اش بود بوت را برای او تقدیم کرد درحالیکه پنجه های پای خودش از خلال پوز بوتش نمایان بود. برایش گفتم فکر میکنم خودت به آن بوت ضرورت داشتی؟ گفت بلی اما برای من باز کسی دیگر بوت خواهد آورد او از من مستحق تر است.

انحراف واضح ازین رویه در وطن دیده میشود. در پهلوی خنهای چندین ملیون دالری همسایه ها ممکن گرسنه شب بگذرانند و آنها روی میز شان انواع کبابها و غیره صرف میدارند. طفلکان زیر خیمه در زمستان با پای برهنه قدم میزنند و نمیدانم چند نفر از لیدران هم سنگر مسعود شهید رفته اند تا با آنها بوتی تهیه کنند و با دست پراز لطف آنها را نوازش دهند. چاره اش پیروی ازبشر دوستی و نوع پرستی است که مسعود بنابر اساسات دین مقدس اسلام استوار ساخته بود. باید روزهای که خودشان شکم گرسنه و پای برهنه در لابلای کوهای سر بلک کشیده ته و بالامیلو بدند بخاطر زنده سازند.

شیردل قادری صفحهٔ ۱۹، ماریسیلا گراد مینویسد: هرپرابلمی که در خانه و یا هر جای دیگر پیدا میشد پیرو جوان نزدش میآمدند و او با حوصلهٔ کامل سخنان شانرا میشنید. هیچوقت از زاننش نشنیده ام که بگوید من لیدر هستم و اینکار بمن ربط ندارد. برای همه وقت زیاد میداد و اگر پیشنهادی میبود هم میشنید. در طول را اگر یک طفل ۸ یا ۱۰ ساله را میدید ایستاد میشد و اگر سوالی میداشت جواب میداد. برایشان میگفت: بسیار نظریهٔ خوبست ما باید بیشتر درباره اش صحبت کنیم. مسعود رفیق مردم بود.

انحراف بسیار عمیق صورت گرفته است. پرابلم باید به سرکتر داده شود، حوصلهٔ تکلم زیاد با مردم وجود ندارد، تنها ارتباطات با چند حلقهٔ ثروتمند برقرار است. با طفل ۸ یا ۱۰ ساله که هیچ امکان ندارد یک لیدر از مو تر زره پوش خود فرود آید و همکلام شود. چون رفیق مردم نیستند از آنها هراس دارند و باید در مو ترهای زره پوش ،سياه آئینه ،سفر کنند. چاره اش اینست که باید چون مسعود هدف داشته باشند تا از کس هراس نداشته باشند.

داوود میردر صفحهٔ ۳۳ ماریسلا گراد گفته : هنگامیکه دشواری زیاد دامنگیر پنجشیر بود و حمالت متعدد روسها قلت غذا را سبب شده بود، مسعود به مجاهدین هدایت داد تا جیرهٔ خود را با اسیران تقسیم کنند و مجاهدین بلا درنگ این امر آمر صاحب را پذیرفتند و چنان کردند. نزد خود گفتم عجیب انسانی و چه مردی!. از یک مجاهد هم سئگرش پرسیدم شما چه فکر میکنید در بارهٔ تقسیم جیرهٔ تان؟ او گفت بما گفته است که مجاهد باید همینطور باشد. ما برای کشتن انسانها نیستم مقصد ما آزادی مملکت ماست. علاوهٔا این جوانان اکثر شان حتی نمیدانند که چرا آنها را روسها و یا افغانهای رفیق روسها اینجا فرستاده اند؟ روی همین اعمالش ،مسعود هم در روسیه و هم در کابل نام نیک داشت.

روسیهای حق بینی که کتاب نوشته اند از مسعود به احترام زیاد یاد کرده اند.

چون روسها قتلعت غذا وجود ندارد و اسیر جنگ هم نادر است گمان نمیکنم روش مسعود تکرار شود. اما باز هم گرسنگان درسرکهای کابل زیادند. گمان نمیکنم یک لیدری نان مکلف چاشت خود را به گدای زیر دندرش اهدا کرده باشد. که باز هم به همان حرکت بشردوستی مسعود زنده نام توجه شود، بهتر خواهد بود .

دا کتر عبدالله در صفحهٔ ۷۰ ماریسلا گراد بیان داشته است: مسعود شهید در بارهٔ مقاومت میگفت: بدون حمایت مردم ما هیچ چیز کرده نمیتوانیم. مردم حمایت میکنند زیرا که همه بضد تهاجم و اشغال روسها اند. اما بدون اهدای چیزیکه به آنها امید زندگی و یک آیندهٔ امید وار نصیب سازد، تا بوسیلهٔ آن به حیات روزمرهٔ خود دوام دهند ،این احساسات پایدار نمی ماند . (دنباله در صفحهٔ ششم)



پروفسرداکتر عبدالواسع لطیفی
الکسندر به -ورجینیا
**صفحاتی از یک زندگی پر نشیب و فراز در وصلت وطن و در غربت هجرت** (بخش هفتم)

گاه برچشم تر و که برمژه، گاهی به خاک

همچو اشک ناامیدی خانه بر دوشیم ما (بیدل)
راستی ازوقت ترک وطن محبوب خودما و منزلگهٔ مادر، دیگر ماهمه در دیار غربت، باتعبیر همین بیت جاویدان حضرت بیدل، درهمه قاره ها متواری و خانه بردوشیم، پس بیایید گاهگاهی از آن خانه وزادگاه آبابی خود، از آن کوچه های وطن شیرین وبه غم نشستهٔ خود واز مردم وشهر وندان همصحت وهمنشین یادکنیم، و تا فرصت حیات باقیست، درلابلای خاطره های دور ودلنشین آن ایام ازدست رفته، بار دیگر خودرا دردامان میهن عزیز در باییم، وبا گذشته های نایاب و الهام بخشی و روحپرور آن، دمی در جهان خاطرات خود زندگی کنیم ...
با همین برداشت، در یادداشت این شماره، چندشهر وندعادی و ساکنین بی پیرایهٔ اعماق کوچه های کابل را پجیت نمونه های اشخاص ساده دل وباشهامت وبا همت وخدمتگار کوچهٔ اندرایی، که یقیناً نظیرشان در کوچه های شمایبز بودو باش داشته اند، به شما معرفی میکنم. اینها نمونهٔ همان اشخاص عادی وبی بضاعت وازنظر افتادهٔ هستند که بارسنگین کتلهٔ محدود باشندگان یک محله را همه روزه بدوش میکشیدند، وباصداقت وازخود گذری وتحمل هرنوع مشکل ومشقت، خالی ازهر گونه غرض وخصوصت وتبعیض، دربدل کمترین مزد، وظایف محوله خود رازا بام تاشام انجام میدادند، و شب رادر کلبه های خود باشکر ونیایش وآمادگی کار فردا سحرمی کردند.

سلسلهٔ همین افراد دربار و ناداراست که امروز زیادتین شهروندان اصلی افغانستان را تشکیل میدهند وهنوزهم دروطن ودر زادگاه خود باقی مانده وبا صدهادارد وجراحت ومحرومیت، زندگی مشقتباری را چه در کلبه هاو ویرانه های منازل شان وچه درمحل کسب وکار خود شجاعانه وباحفظ ناموس وطن، به امید کدام فردای روشن سیری می کنند.

بهر حال، اینک شمهٔ از جریان زندگی وزحمتکشی هاومراودات اجتماعی وانسانی، سه فرد عادی وقشقرارکن کوچهٔ اندرایی را تا جیکه حافظه یاری میدهلد، شرح میدهم : اینها به ناهایم داده نیکبخت نان پز یا نانوائ، لاله خدایداد سقاء و بابۀ بخت بلند خارکش یاجوالی شهرت داشتند، ودر پیشه وکار خود خدمتگار همه بشمار می رفتند.

داده نیکبخت که قرار حکایاتش در سابق جزء نوکران خریده شدهٔ یک خانوادهٔ متمول بود، در جوار ومتصل منزل نشیمن ما تنور نان پزی داشت، و فعالیت روزمره اش با بلند شدن دود بته هاو خارهایی که آتش تنور را می افروخت، آغاز می یافت، گاهگاهیکه برای دریافت نام گرم خانگی نزدش می رفتم، میدیدم که دستمال زولیدهٔ را بسرش بیچانیده وآستینچهٔ نیمه سوخته را تا آرنج پوشیده است، در حالیکه رخساره های استخوانیش را تف سوزان تنور سرخو نه می ساخت، بطور مکررمقدار معین خمیر هموار شده رابادست وبازوی خود با بکنفس سریع به دیوآرداغ تنور می چسبانید وبعدعین عملیه رابدون اندک توقف، برای پختن دهها نان دیگر انجام میداد. داده نیکبخت زن نیک سرشت، متواضع وبرعاطفه وآمادهٔ خدمت به اکثر ساکنین محله بود. اجورهٔ ناچیز نانبری خود را با لطف ومناعت در اخیر هرامه به اساس محاسبهٔ (چوب خط) خانوادهٔ مربوطه، صادقانه دریافت میکرد وبآآن پول هیزم ماه آینده وماپتاحت خود راتهییه می نمود ... ولی واسفا که زندگی پرمشقت او در یک حادثهٔ فاجعناک که بعدتر بشما توضیح خواهم داد، دریایان یک شب هولناک خانه یافت...

شخصیت دومی همین ردیف، لاله خداداد سقا میباشد که علاوه بر شغل شریف سقایی خود، در نیمهٔ دوم روز آمادهٔ هرنوع خدمت و دست پیشی به آشایان وهمسایگان بود. اوهر روز صبح وقت پس از ادای نماز، مشک چرمی پراز آب صاف نل محله را که در ساعات معین آب جاری داشت، به دوش میکشید وبه منازل مشتریان خود میرساند، و کوزه های خالی را بدون سروصدا پرمیکرد، وبافروتنی وصداقت و سربراه بی کار خود میرفت. به اینصورت ازحولهٔ کف دست و کمایی حلال، ماپتاحت خود وعایلهٔ خود راتهییه مینمود. او گفتار و کردار نیک داشت، اطفال وجوانان کوچه رابه اطاعت پدر و مادر و درس خواندن وتعاون توصیه میکرد، و شاگردان گریز پای مکتب ابتدایی همجوار را که گاهگاهی در گوشه های دوردست کوچه به بجل بازی وشیر وخط میپرداختند، باخشونت وشدت تویخ وتنبیه کرده، پدران شان را برای جلوگیری این عمل مطلع میساخت.

راستی لاله خدایداد آب مورد ضرورت روزمرهٔ داده نیکبخت نانوا رانیز تهیه میکرد، ولی در عوض پول نقد، مزدها نهٔ خوش رابا او چنین قرار کرده بود که ظرف چایجوش ودیگ شور بایش راپس از ختم نان پری، مجاناً روی آتش و خاکستر باقیماندهٔ تنور برای جوش خوردن وپخته شدن بگذارد، وقرص نانی هم برایش بدهد.

ولی چه افسوس که این مراده وقرارداد صادقانه ونجیبانهٔ داده نیکبخت و لاله خدایداد ناگهان در اثر یک حادثهٔ جانکاه به مرگ دردناک و پرفاجعهٔ زن شوریده حال انجامید، وهمهٔ باشندگان اندرایی راستخت تکان داد وعزا دار ساخت. یاد صحنهٔ دلخراش این حادثه تا هنوز مرا تااستخوان میلرزاند. حادثه چنین اتفاق افتاد : یک روز وقت سحر هنگامیکه داده نیکبخت میخواست دیگ جوشان شوربای کله متعلق به لاله خدایداد را بعد از پخته شدن، از روی آتش و خاکستر داغ تنور بردارد وبرون آورد، ناگهان محتویات دیگ روی آتش میریزد، سروصورت وقسمتی از تنه اش در یخاروتف داغ شوربای جوشان و آتش زیر خاکستر به سختی میسوزد ودر آن لحظهٔ جانکاه هیچ کسی رانداشت که چارهٔ بکند وبه دادش برسد. به این صورت داده نیکبخت تیره روز در ظرف چندساعت جان به جان آفرین سپرد، ووقتی با برآمدن آفتاب، مشتریان ولاله خدایداد سقاء به سراغش آمدند، مانندرمدمی که ناگهان دچار صاعقه شده باشند، با جسد نیمه سوخته ویجان زن پرکار وخدمتگار روبرو شدند، داد وفریاد و گریه ازهر سو به آسمان رفت وغبار غم وماتم بر گلر اندرایی سایهٔ هیبتناک انداخت ... با همان سایه هایی که در چندشب وروز گذشته دهشت افگنان پس از حملات خویار گوشه های شهرهای وطن رابه تاریکی هولناک و ویرانی و خاک وخون کشانیدند. پھر حال، مردان محله جنازهٔ زن نانوا را تا قبرستان(قول آپچکان) به دوش کشیدند وپخاک سیاه سپردند .

حال بابادآوری این حادثهٔ مرگباری که بطور تصادفی وغیر قصدی رخ داد، جا دارد از کسانی هم یاد کنیم که در طول جنگهای تحمیلی وخانمانسوز افغانستان ودر هجوم وتاراج مکرر حمله آوردان بر شهروندان صدها وهزاران فرد ییکانه ویی بضاعت زیر آتش بمب وراکت و گلوله وامثال آن سرتاپا سوختند ومانند(داده نیکبخت) کس به داد شان نرسید، وبادرد ومأیوسی جان سپردند. چه اسف انگیز است که این آتش افروزی وآدمسوزی قصدی سالاهاست در گوشه و کنار وطن ماباحملات جنگ آوردان ومزدوران خونخور اجنبی وجنگهای تحمیلی ادامه دارد .

پروفیسر داکتر عبدالواسع لطیفی

نصیر احمد رازی
سدنی - آسترالیا
**داستانهایی همسوی با تصوف**

دردومین بخش از این سلسله می پردازم به اینکه: به تحقیق نمیتوان تاریخ پدید آمدن طریقهٔ تصوف را تعیین کرد، زیرا ظهور ونشر افکار وعقاید ومکبها تدریجی است نه ناگهانی. زهد واقطاع ازدنیا و ترک لذات زود گذر که اصول تصوف است، پیش ازدوران اسلامی میان پیروان بیشتر ادیان وآیین هامانند عیسویان، مانویان، بوداییان وزردشتیان معمول بوده، که بطور مثال در شمارهٔ بعدی به تصوف عیسوی اشارهٔ کوتاه خواهم داشت .

بزرگترین نمایندهٔ تصوف مشرق زمین پیش از اسلام (مانی) است، که از حیث وسعت وعظمت فکر، نبوغ معنوی ونفوذ روحانی، در تاریخ تصول عالم یک شخصیت بی نظیر است. اغلب مؤرخان وبرزگان صوفیه ظهور تصوف را مربوط به سدهٔ دوم هجری ذکر کرده اند، هر چند شیخ عطار، سلسلهٔ او بسیان را از او پس قرنئ میبندد و او پس به سال ۳۷هجری وفات یافته است. ابن جوزی (۷۹۷م) میگوید: (اسم صوفی اندکی قبل از سال ۲۰۰هجری پیداشده است. همین نظرا قشیری نیز نقل کرده ومؤلف کشف الظنون روایت قشیری را تایید نموده است. ابن خلدون نیز در مقدمهٔ اش ظهور تصوف را سدهٔ دوم هجری دانسته و جاحظ ( ۲۰۰هجری) در کتاب البیان والتبیین، کلمهٔ صوفی رابکار برده است.

گروهی بر آن آندند که ظهور اصطلاح تصوف ومتصوف، مربوط به زمان حسن بصری ( ۱۱۰هجری) است، ومعتقدند که وی نخستین زادی است که اهل تصوف بوده ودر بارهٔ آن سخن گفت . در کتاب قوت القلوب، مؤلف شرحی راجع به فضایل حسن بصری مینویسد و او را نخستین پیشوای تصوف می شمارد. بعضی گمان برده اند که اصطلاح صوفی از محدثات بغدادیان باشد، ولی نه چنان است، زیرا این لقب در زمان حسن بصری معمول بود. محمد بن اسحق بن یسار نقل میکند که پیش از عهد اسلام، گاهی چنان اتفاق می افتاد که هیچ کس به طواف بیت الله نمی آمد، ودر آن موقع مردی صوفی از شهری دور می آمد و طواف میکرد. ابونصر سراج اظهار میدارد که : (اگر روایت اخبار مکه صحیح باشد، دلیل است که قبل از اسلام نیز اصطلاح (صوفی) معروف ومتداول بوده است. استاد جلال الدین همایی نوشته اند: (اگر سلمان فارسی وابوذرقفاری را صوفی خوانده اند، از باب مشابهت رفتار ایشان است.

آنچه نویسندهٔ این سطور ازدوران کودکی در ذهنم حک شده، شخصیتی بود به نام صوفی محمد اسلام خان مین، که به دیدار پدرم می آمد. ایشان معلم واستاد نامدار در لیسهٔ حبیبیه بود که شاگردان زادی را تربیت کرد، وهمهٔ آنها به مقامات عالی در کشور رسیدند. روایتش قرین رحمت پروردگار باد، واقعاً صوفی به تمام معنا بود.

داستان: (چقدر خوب بود زن میگرفتی وخانواده تشکیل میدادی وبه این زندگی انفرادی خاتمه میدادی، تا هم حاجت تو به زن برآورده شود وهم آن زن در کار دنیا وآخرت کمک تو باشد.

– یارسول الله ! نه مال دارم ونه جمال، نه حسب دارم ونه نسب، چه کسی به من زن میدهد؟ وکدام زن رغبت میکند که همسر مردی فقیر و کوتاه قد وسیاه پوست وبدشکل مانند من بشود؟

– ای جویر ! خداوند به وسیلهٔ اسلام ارزش افراد واشخاص راعوض کرد، بسیاری از اشخاص در دورهٔ جاهلیت محترم بودند واسلام آنها را پایین آورد. بسیاری از اشخاص در جاهلیت خوار ویی مقدار بودند واسلام قدر ومنزل آنها را بالا برد. خداوند به وسیلهٔ اسلام نحوتهای جاهلیت واختیار به نسب و خانواده رامنسوخ کرد. اکنون همهٔ مردم از سفیدوسیاه، قرشی وغیر قرشی، عربی و عجمی در یک درجه اند. هیچس بر دیگری برتری ندارد مگر به وسیلهٔ تقوا وطاعت. من در میان مسلمانان فقط کسی را از تو بالاتر میدانم که تقوا وعملش از تو بهتر باشد. اکنون به آنچه دستور میدهم عمل کن. )

اینها کلماتی بودن که در یکی از روزها که رسول اکرم به ملاقات (اصحاب صفه) آمده بود، میان او وجویر رد ویدل شد. جویر از اهل (بسامه) بود، در همانجا بود که شهرت وآوازهٔ اسلام وظهور پیامبر خاتم راشنید، اوهر چند تنگ دست وسیاه و کوتاه قد بود، اما باهوش و حق طلب وبآ اراده بود. بعد از شنیدن آوازهٔ اسلام، یکسره به مدینه آمد تا از نزدیک جریان رابیند. طولی نکشید که اسلام آورد ودر سلک مسلمانان درآمد، اما چون نه پولی داشت ونه منزلی ونه آشایی، موقتاً به دستور رسول اکرم در مسجد بسر میبرد. تدریجاً در میان کسان دیگری که مسلمان میشدند ودر مدینه میماندند، افرادی دیگر هم یافت شدند که آنها نیز مانند جویر فقیر و تنگدست بودند وبه دستور پیغمبر در مسجد بسر می بردند، تا آنکه به پیغمبر وحی شد مسجد جای سکونت نیست، اینها باید در خارج مسجد منزل کنند. رسول خدا نقطهٔ ادر خارج از مسجد در نظر گرفت وسایبانی در آنجا ساخت وآئوده رابه زیر آن سایبان منتقل کرد. آنجا را (صفه) می نامیدند وساکنین آنجا که هم فقیر بودند وهم غریب، (اصحاب صفه) خوانده میشدند. رسول خدا واصحاب به احوال وزندگی آنها رسیدگی میکردند.

یک روز رسول خدا به سراغ ایندسته آمده بود. در آن میان چشمش به جویر افتاد، به فکر رفت که جویر را ازین وضع خارج کند وبه زندگی او سرو سامانی بدهد، اما چیزی که هرگز بخاطر جویر نمی گذشت، بااطلاعی که از وضع خودش داشت، این بود که روزی صاحب زن وخانه وسرو سامان بشود، این بود که تارسول خدابه او پیشنهاد ازدواج کرد، باتجعب جواب داد: مگر ممکن است کسی به ناشویی با من تن بدهد؟ ولی رسول خدا زود او را از اشتباه خودش خارج ساخت وتغییر وضع اجتماعی، که در اثر اسلام پیداشده بود، به او گوشزد فرمود. رسول خدا پس از آنکه جویر را از اشتباه بیرون آورد و او را به زندگی مطمئن وامیدوار ساخت، دستور داد یکسره به خانهٔ زیاد بن لبیدانصاری برود ودخترش ذلفا رابرای خود خواستگاری کند.

زیاد بن لبید از ثروتمندان ومترمین اهل مدینه بود. افراد قبیلهٔ وی احترام زیادی برایش قایل بودند. هنگامیکه جویر وارد خانهٔ زیاد شد، گروهی از بستگان وافراد قبیلهٔ لبید در آنجا جمع بودند. جویر پس از نتسستن مکنی کرد وسپس سر را بلند کرد وبه زادگفت: (من از طرف پیغمبر پیامی برای تودارم، محرمانه بگویم یاغلنی؟ – پیام پیغمبر برای من افتخار است، البته غلنی بگو . – پیغمبر مرا فرستاده که دخترت ذلفا را برای خودم خواستگاری کنم . – پیغمبر خودش این موضوع رابه تو فرمود؟ – من که از پیش خود حرفی نمی زنم، همه مرا می شناسند، اهل دروغ نیستم. – عجیب است ! رسم مانیتست که دختر خود را جز به هم شأنهای خود از قبیلهٔ خودمان بدهیم، توبرو، من خودم به حضور پیغمبر خواهم آمد ودر این موضوع باخود ایشان مذاکره خواهم کرد. ) جویر ازجا حرکت کرد واز خانه بیرون رفت، اما همانطور که میرفت با خودش میگفت، به خدایقسم آنچه قرآن تعلیم داده است وآن چیزی که نبوت محمد برای آن است، غیر این چیزی است که زیاد میگوید. (ستون سوم)

سید آقا هنری
**آیا داوود خان وطن ما را دوست داشت ؟**

(به ادامهٔ گذشته) : فایق مینویسد: داوود برای میوندوال پست بلندی را در نظر گرفته بود، ونعیم خان هم این موضوع را تأیید کرد، اگر چنین میبود ماهها گذشت چرا خبری نشد؟ آیا کمونستان عقیده اش را تغییر دادند ؟ مرحوم نجیم آریابرایم گفت قدیر قوماندن امنیه برای میوندوال پیام روان کرده بود، هر جامیروید برایتان پاسپورت میدهم در جواب گفته بودند به پای دار میروم نه از وطنم. پت وپنهان نیست که بسیاری کارها را بدون صلاح داوود میکردند، و دست باز برایشان داده بود. فایق میگوید از تبدیلی های بیمورد و کار های ناشایست رسولی برایش گفتم در جواب شنیدم وی وزیر است میداند چه کند، مثلاً فیض محدود زیر داخله پرچمی (مشهور به فیضوی قصاب) اضافه از ۲۰۰ نفر حکام را از حزب پرچم که بسیاری شان معلم بودند نصب کرد. در کابل گفته شد هر روز بعد از وقت کار فیض محمد جهت رفع خستگی پیش بند پلاستیکی مانند قصابان به خود می بست وجندنن نفر رابدست خود حلال میکرد، بدین لحاظ لقب فیضوی قصاب را گرفت( الغیب عندالله). همان قسمی که گلبدین را مردم لقب قصاب کابل نام نهادند.

عبد الحمید مبارز در کتاب خود ص ۲۶ می نویسد، در سال ۱۹۷۴ من والی ولایت لوگر بودم مولوی محمد بنی را گرفتند نارامی خلق شد، نزد داوودخان رفتم قضیه را اطلاع دادم وگفتم اگر وی رها نشود من نمی توانم ولایت را آرام نگه دارم، داوود برایم گفت من خبر ندارم وامرهای وی را فوراً توشت. داوود مسلمان بود نه مؤمن متعهد، اگر وی به حزب جوانان مسلمان خدا پرست ووطن دوست ومردمان باتدبیر رو می آورد، امروز مابه این مصیبت گرفتار نمی شدم ونامش جاودانی میشد، گلبدینی ها، روس وبانددیستهای خلق وپرچم مجالی برای برپادی وطن مانمیاقتند.

طوړمثال احمد شاه مسعود یکی ازاین حزب جوانان مسلمان بود، خانم رابن رافل معاون وزیر خارجهٔ امریکا در میدان بگرام ۱۹۹۶برایش گفت جنگ را رها کن (یعنی بگذار طالبان بیایند) در جواب کلاه خود را روی میز گذاشت وگفت تا وقتی که همین قدر جای دروطنم دارم برضد ظالم می جنگم.

چند روز بعد خانم مادلین البرایت وزیر خارجهٔ امریکا در مشاوره برای خانمهای مهاجرین وطن ما در محضر عام گفت من از دل ششامیایم خودم یهود (صهونیست) بودم از گیرنازیا از چکسلواکیا به سویس گریختم بعدا به امریکا، اما چند ساعت بعد چکی ۵۰۰ میلیون دلاری را جهت اشغال شهر کابل در اسلام اباد به دست جنرالان پاکستانی سپرد.

در سال ۱۹۷۴ بازمه گفتند تو طوٚهٔ دیگری را کشف کردیم جنرال میر احمد شاه قوماندان تو پچی راباعدهٔ از ییکانها به اتهام همکاری با یک مملکت خارجی گرفتند وبه حبسهای طولیل المدت محکوم کردند.محترم جنرال ندبیر کبیر سراج. در کتاب خود ص ۵۴ چنین می نویسد: (یک سال قبل از کودتای کمونستی، قرآنی بین من وجنرال متقاعد محمد رسول خان، سابق رئیس ظبط احوالات به وقوع پیوست، جوان ترین دخترم، با جوان ترین پسر محمد رسول خان با هم ازدواج کردند. این نزدیکی امکانات انرا فراهم ساخت، تا مکنونات قلبی او را کاویده ویرون بکشم. از او دربارهٔ داوودخان ونبایش پرسیدم، چنین گفت (بعد از انقاد قانون اساسی محمد داودخان، مرا به منزلش خواست، بعد از صرف جای وصحبت دربارهٔ موضوعات روز وواضاع کشور، مقصد اصلی اش راجعین بیان داشت، (مبلغ پنج ملیون افغانی تقدحاضار است، به اختیارت میگذارم، تو سط ان اشخاصی مانند مجید کلکانی، بیرک کارمل، سید ظاهر وبعضی از وکلای چپ گرا را تشویق نما، که در داخل مملکت در وولسی جرگه بی نظمی خرج ومرج به وجود آرند.) من پولش را قبول نکردم، اما گفتم این کار ارمیکم، به وعده خود وفا کردم. امروز از کار خود پشیمان هستم وبدبیار خداوند، همیشه دست دعا بالا کرده وتقاضا میکنم، خداوند مرا از گناهانی که به نفع داوودخان مرتکب شده ام ببخشی، گناهانی را که برای منافع خود مرتکب شده ام، جوابده میباشم).

غوث الدین فایق در کتاب خود (رازی) را که نمی خواستم افشاء گردد) ص ۶۹می نویسد. احمد ضیا جگرن قوماندان گارد جمهوری بود، روزی در کوتی باعجهٔ ارگ میگذشتم، سردار عبدالولی اتجا بندی بود مرا صدا زد، با احمد ضیاء یک جا داخل اطاقش شدم بعد احوال پرسى گفت، با شما خصوصی کار دارم ضیاء را اجازه بدهید، که بیرون رود گفتم به حضورش باید بگوئید، کمر بند کوت خود را باز کرده در بغل چپ وراستش مردار دانه های بود، که دلم برایش سوخت وگفت از سردار صاحب بخواهید، برایم هفته یک بار حمام کردن اجازه دهند. از اطاق بیرون شدم، برای ضیا گفتم چرا این قدر سخت گیری میکنید، گفت همین که زنده است شکر کند.

وقتی یک محمد زایی این مصیبت را با چشم سرمی بینند، آیندهٔ تاریکی پیش بینی میکنند. مجلسی آراستند ومحمد صدیق خان سابق والی هرات را، که کلان قوم بود نزد سردار سرخ فرستاندند، تا نارضائی از خود نشان دهند، وقتی با وی هم صحبت میشو، می پرسد کا کا خیریت بود آمدی؟ صدیق خان مرد با تجربه وموسسیدی بود میگوید از این بچه بازی ها صرف نظر کن اینها کسانی نیستند، که درد مملکت را دوا کنند و... داوود بدون مقدمهٔ میگوید با رفقایم آمده ام با رفقایم می روم.

(تربیت نااهل چون گردگان در گنبد است) سعدی. / (دنباله دارد)

\*\*\*\*\*
هر کس نزدیک بود، این سخنان را که جویر باخود زیر لب زمزمه میکرد می شنید. ذلفا دختر زیبای لبید که به جمال وزیبایی معروف بود، سخنان جویر را شنید، آمد پیش پدر تا از ماجرا آگاه شود. – بابا این مرد که همین الان از خانه بیرون رفت باخودش چه زمزمه میکرد ومقصودش چه بود ؟ – این مرد به خواستگاری تو آمده بود و ادعا میکرد پیغمبر او را فرستاده است. – نکند واقعاً پیغمبر او را فرستاده باشد، و رد کردن تو او را تمدد امر پیغمبر محسوب گردد ! – به عقیدهٔ تو من چه کنم؟ – به عقیدهٔ من زود او را قبل از آنکه به حضور پیغمبر برسد بخانه برگردان، و خودت برو به حضور پیغمبر وتحقیق کن قضیه چه بوده است. زیاد جویر را با احترام به خانه برگردانید وخودش به حضور پیغمبر شتافت. همینکه او حضرت را دید، عرض کرد: (یارسول الله ! جویر به خانهٔ ما آمده همچو پیغامی از طرف شما آورد. میخواهم عرض کنم رسم وعادت جاری ماین است که دختران خود را فقط به هم شأنهای خودمان از اهل قبیله که همه انصار وباران شاه هستند بدهیم . – ای زیاد ! جویر مؤمن است، آن شأنهایی که تو گمان میکنی امروز از میان رفته است، مرد مؤمن هم شأن زن مؤمنه است.)

زیاده خانه برگشت وبکسره به سراغ دخترش ذلفا رفت واماجرا را نقل کرد. – به عقیدهٔ من پیشنهاد رسول خدا را رد نکن، مطلب مربوط به من است، جویر هر چی هست من باید راضی باشم، چون رسول خدابه این امر راضی است من هم راضی هستم. ) زیاد ذلفا رابه عقد جویر درآورد، مهر او را از مال خودش تعیین کرد جهاز خوبی برای عروس تهیه دید. از جویر پرسیدند: (آیا خانهٔ در نظر گرفته ای که عروس رابه آن خانه بری؟ – من چیزی که فکر نمیکردم این بود که روزی دارای زن وزندگی بشوم ، پیغمبر ناگهان آمد وبه من چنین وچنان گفت و مرا به خانهٔ زیاد فرستاد. ) زیاد از مال خود خانه و( دنباله در صفحهٔ ششم)



## معرفی شخصیت های فرهیخته ودانشمند شامل میز مباحثه. در محفل تجلیل هفته شهید وساروز شهادت امر صاحب

– پروفیسرداکتر حمید هادی درشهر کابل متولدشده، تحصیلات عالی خودرا درلیسهٔ حبیبیه وبعد درفاکولتۀ طب کابل به پایان رسانید. مدتی بعد ازامتحان کانکور، استاد نسایی وولادی دردانشگاه کابل بود. موصوف بعداز گذشتاندن امتحان ECFMGدر کابل، عازم امریکا شد، و دوره های رزیدنسی وفیلوشپ خودرا دریونیورستی فلوریدا، کالج اطباء وجراحان دانشگاه کولمبیا، دانشگاه پیتسبورگ پنسلوانیا و یونیورستی جورجیا به پایان رسانید. موصوف حامل بورد تخصص نسایی وولادی، بوردتخصص پیشرفتهٔ Maternal Fetal Medicine بوده، وتداوی امراض داخله وجراحی طفل را در داخل رحم مادر انجام داده است. علاوه اوی یک دورهٔ ریسرچ وبژهش پتالوژی نسایی را در پیتسبورگ به پایان رسانیده است.

داکتر هادی درمدت ۳۵ سال گذشته ببحث استاد دریونیورستی های امریکا تدریس کرده وپنجاه پروژهٔ تحقیقات علمی راتکمیل ودر مطبوعات معتبرو علمی امریکانتشر کرده ودرحدود صد کنفرانس علمی درمجامع ساینس این کشور ایراد کرده است. نشرات علمی داکتر هادی اکثرا شامل موضوعات بکر بوده ورهمنیای تداوی برای متخصصین امریکایی واروپایی بوده است. ازآن جمله تداوی امراض غدهٔ تیروئید طفل درداخل رحم، تداوی اطفال قبل ازوقت ومطالعات انکشاف مغز طفل در حیات داخل رحمی معروف میباشند. درمدت ۲۶سالی که داکتر هادی آمر شعبۀ ولادی درسیستم دانشگاه کرولانیای شمالی بوده است، موفق به اخذچندین جائزۀ ملی در ریسرچ، و بهترین استاد یونیورستی ازطرف کالج جراحان واطباء نسایی و ولادی امریکا شده است. تشنجات و نارامی های سیاسی وجنگهای افغانستان، داکتر هادی را شدیداً متأثر ساخته است. فعالیتهای سیاسی اوبرای دفاع از مردم افغانستان در وزارت خارجۀ امریکا، در کانگرس، مجلس سنا، رادیو هاومجامع دیگر امریکا بوده است. افتخاربلندتر از همه، فعالیت ازراه جریدهٔ معتبر امید می باشد.

– داکتر غلام محمد دستگیرشام روزچهارشنبه پنجم ثور ۱۳۱۸ش مطابق ۶ ربیع الاول ۱۳۵۸ قمری که مطابقت دارد به ۲۶ / ۲۷ اپریل ۱۹۳۹ م درخانهٔ نمبر ۳۲ گذر سه دکان عاتقان و عارفان (ع) تولد یافته پدرش که شغل تجارت داشت به صوفی غلام دستگیر مشهور بود. بعد از فراغت از لیسهٔ حبیبیه در سال ۱۹۵۷م به پی سی بی دانشکدهٔ ساینس شامل ودر سال ۱۹۵۸م بدرجۀ اعلی از آنجا فارغ و به دانشکدهٔ طب به تحصیلات خود دوام داد. در سال ۱۹۶۳م از دانشکدهٔ طب فارغ و به دورهٔ سناژ با انترنشپ داخل و در سال ۱۹۶۴م مختر به سنللام دفا گردید. تفسیر قرآن پاک و علوم دینی را هم از استادان محل آموخته اند. در سال ۱۹۶۵م که کورس احتیاط بود، امتحان کانکورطب برای شمول بمضویت اکادمیک دردانشکدهٔ طب دانشگاه ننگرهار وهم امتحان لسان پشتو راموفقانه گذشتانده در کدرجراحی پذیرفته شد. بعد ازنشر کتاب(د صدری ناروغیو مختصره جراحی)، مضامین متعدد طبی در آریانا دایرۀ المعارف و (تداوی تور کلو ز فقرات با مداخلات قدامی) ازطرف پروفیسر رایس شف جراحی وقت تقدیر گردیدودر جریان قدم علمی به پوهنمل بود که برای تحصیلات عالی در رشتهٔ جراحی در ماه می ۱۹۶۸م به انگلستان سکارلرشپ گرفت وبعد از اخذ دیپلومهای ازرایل کالج آف فیزیشن لندن ,LRCP,رایل کالج آف سرجنزدر انگلند MRCSو دیپلوم تخصص درجراحی بطنی صدری از رایل کالج آف سرجنزدهنبره FRCSفرو گذشتاندن امتحان ECFMGدر ماه اکتوبر ۱۹۷۸م بوطن مراجعت نمود. بعد از خدمت دردیارتمنت جراحی دانشکدهٔ کابل و تدریس اساسات جراحی، دیارتمنت جراحی شفابخانۀ چهار صد بستراکادمی علوم طبی و چند نشریه که در پشتی طبی مجله و بعد ژورنال طبیعی علوم بطع رسید، در نوامبر ۱۹۷۹م به مهاجرت پرداخته در امریکاسکن گزید وبعداز گذشتاندن امتحان FLEXدر امریکا در سال ۱۹۸۰م به اخذ لایسنس پرنکس طبابت درنیویارک ومساجوستس موفق شد. بعد از خدمت در یونیورسیتی مساجوستس ویک شعبۀ از هارورد در نارتهیمپتون و شفابخانۀ ویتیران در سال ۲۰۱۲م به اثر تقاضای خودش متقاعد گردید.

در جریان خدمات طبی اش در امریکا، انجمن داکتران افغانی در امریکا را بنیاد گذاشت، که روز ۱۲ سپتمبر ۲۰۱۵یست وششمین سال خود را تجلیل کردند. در پهلوی فعالیتهای علمی طبی در امریکا چون: نشر یک مینود برای جراحی انگشت که در بلجیم، باستون، لندن و ششمین کنگرس بین المللی جراحی دست در پاریس تقدیم گردید و یک پاتینت برای جراحی امعای غلیظه موفق گردید، با نامهٔ هفتگی امید، هم از روزهای اول همکار بوده مضامین متعدد اجتماعی، تاریخی، و سیاسی نوشته اند که همه پچاپ رسیده است.

در سالگردهای متعددشهادت احمدشاه مسعود در کالیفورنیا ووبرجینیا حصه گرفته سخنان دلچسپی در بارۀ حیات و فعالیتهای شهید قهرمان ملی نوشته، در چهاردهمین سالگردشهادت احمدشاه مسعود در بانکویت هال چیری بلاسم در روز یکشنبه سیزدهم سپتامبر ۲۰۱۵ عضو مفید پالیست ها بودند.

– \* داکتر عبدالوهاب فرنزشادروان عبدالهادی شیرزی، دردسمبر سال ۱۹۴۲ میلادی در گذر اندرانی شهر کابل به دنیا آمد. پس ازانمام لیسهٔ غازی شامل فاکولتۀ حقوق وعلوم سیاسی کابل شد، در سال ۱۹۶۶ به فراغت از آن، دوسال عضو کدر تدریسی بحث اسپستانب به تدریس در همان فاکولتـه پرداخت، بعدجهت تحصیلات عالی به یونیورستی سورین پاریس رفت وبادریافت درجۀ داکتری دولتی در رشتهٔ حقوق وعلوم سیاسی بخصوص درساحۀ حقوق اساسی، ادارهٔ عامه وحقوق بین الدول، درمارچ ۱۹۷۵ بوطن برگشت. داکتر عبدالوهاب هادی، بلافاصله بحث استاد صاحب کرسی حقوق اساسی وین الدول در فاکولتۀ حقوق وعلوم سیاسی کابل گردید. در ماه جون سال ۱۹۷۷ برای یک دورهٔ مطالعات حقوقی هژده ماههٔ به جورج واشنگتن یونیورستی درشهر واشنگتن دی سی آمد، که در ختم آن، نسبت کودتای کمونیستی درافغانستان، به ایالات متحده بانهندۀ سیاسی شد . موصوف درماه اگست ۱۹۸۰باهمکاری مرحوم حبیب کورگانی، بخش دری رادیوصداى امریکا را بنیاد گذاشتند. وی طی بیست ونه سال ازبرنامه سازان ونطاقان برازندۀ این برنامه بود . وی در اول اگست ۲۰۰۹ بازنشسته شد، وپس از آن همکاری خویش را با هفته نامهٔ امید آغاز نمود، که بحمدلله تاحال ادامه دارد. داکتر هادی پس از سرنگونی رژیم طالبی، دوبار برای تهیهٔ گزارشهای عینی به کابل رفت، ودر انتخابات سال پیش هم یکی از شاهدان بود .

– انجنیر عبدالصبور فروزان در سال ۱۹۵۷ درقریۀ دهقانان شهر چاریکار ولایت پروان تولد یافت، و خانواده اش دو ماه پس از آن به قریۀ پوسټین دوزهای شهر کابل نقل مکان نمود. دورهٔ ابتدایی رادر مکتب شاه ولی، متوسطه رادر مکتب انصاری ودورهٔ لیسه را در لیسهٔ غازی در سال ۱۹۷۱ به پایان رسانید. انجنیر فروزان لیسانس انستیتوت جیولوجی فاکولتۀ ساینس دانشگاه کابل در سال ۱۹۷۱ حاصل نموده، درجۀ ماستری را زادیارتمنت جیولوجی و معادن پولیتخنیک کابل

گزارشگر: عبدالودود ظفری

## تجلیل از چهاردهمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی در شمال ایالت کالیفورنیا

از هفتهٔ شهید و چهاردهمین سال شهادت احمدشاه مسعود(رح) قهرمان ملی، به روزیازدهٔ سپتمبر ۲۰۱۵ در سالون بزرگ چاندنی بنکو یتها، واقع شهر نووارک در شمال ایالت کالیفورنیا، از طرف انجمن فرهنگی دانش باختم قرآن شریف، سخنرانی ها و نمایش بخشهایی از صحنه های جهاد ومقاومت ملی، بزرگداشت به عمل آمد.

سالون باایرق بزرگ دولت جمهوری اسلامی افغانستان، جملات کوتاه از بیانات مسعود شهید و تصاویری از شهیداستاد برهان الدین ربانی، حاجی عبدالقدیر، مصطفی کاظمی واحمدشاه مسعود تزین گردیده بود . شاملان همآ یش که بیشتر از توقع سالون راپرساخته بودند، از شهر های اطراف سافرنانسکو وسکر متو ولاس انجلس تشریف آورده بودند. دودانشمند بنام افغانستان، خواجه بشیر احمدانصاری نویسنده ومحقق واستاد دانشگاه در ایالت تکزاس، و داکتر اسدالله شعور نویسنده وبژوهشگر معروف کشور از شهر تورنتوی کانادا، از طرف انجمن فرهنگی دانش، بصفت سخنرانان مهمان در محفل اشتراک داشتند.

محفل بعد از ختم قرآن پاک واتحاف دعا به روان پاک شهدای افغانستان، ساعت ۳/۱۶ دیگر باتلاوت چند ایت کلام پاک توسط قاری ذبیح الله عبدالله وبه گرداندگی آقای محمدعمر مهربان، اعضای انجمن فرهنگی دانش، آغاز شد، وحوالی یازدهٔ شب پایان یافت.

پس از آنکه داکتر محمداسلم خاموش، رئیس انجمن فرهنگی دانش، حضار را خبرمقدم گفت، گردانندۀ برنامه سرودهٔ زیبایی راباعنوان (پکول)، با مطلع (قران پکول که تو بودی شۀ خویان)، که توسط آقای خیری، یک جوان مجاهد ثبت ویدئو شده بود، به نمایش گذاشت، که طرف شادباش حضارقرار گرفت. چون آقای خیری در کدام ایالت دیگر زندگی مینماید، ودر جریان جهاد تکلیف صحی پیدا کرده وبا چوکی عراده دار (ویلچیر) حرکت مینماید، در همایش حضور نداشت.

محمد هارون حبیبی، جنرال قونسل افغانستان مقیم لاس انجلس که به همین مناسبت تشریف آورده بود، طی بیانیۀ در تایید جهاد ومقاومت بیان داشت که جانبازی های شهدای افغانستان و قربانی قهرمان ملی در خاطره ها ماندگار میباشد، وما آنها را هر سال تجلیل می کنیم تا از ایشان قدردانی کرده باشیم . محمدانعام کمال پیام بنیاد مسعود شهید را که از کابل به همین مناسبت رسیده بود، قرائت کرد. شریف الله دقیق شعر زیبایی را که دربارهٔ شهادت قهرمان ملی سروده بود، باحساس قوی به خویش گرفت که طرف شادباش حضار واقع شد .

سیدعابد مدنی گردانندۀ سابق برنامهٔ تلویزیونی چهره های آشنا، طی بیانیۀ، ادامهٔ چنین همایش ها را جذاباناز و شهدای افغانستان ضروری خواند واز قهرمان ملی به نیک یاد نمود و اظهار داشت اشتباهات و گناهان دیگران راناید به مسعود شهید نسبت داد. ضمناً در رابطهٔ اوضاع کنونی وطن وبویزه فرار جوانان انگشت انتقاد را بالا کرده گفت باید قول و قرار ها موافتهای دوجناح حکومت عملی شود ومسئولیتها بنام رئیس جمهور وصدر اعظم مشخص گردد، تا جنجالها رفع شود.

داکتر اسدالله شعور نویسندهٔ چندین کتاب، دربیانیۀ خود گفت که شهدای راه خدا که جانهایی عزیز خود را در راه احقاق یک مرام مقدس، آزادی وطن، فدا کردند، در اذهان مردم ماندگار میباشند. احمدشاه مسعود شهید هم در برابر هجوم همسایۀ شمال وهم در برابر هجوم همسایۀ طماع جنوب جهاد ومقاومت نمود، تا اینکه خودش فداشد. مسعود یک افغانستان آزاد وآباد ومتعلق به همهٔ مردم افغانستان رامیخواست، وهمه شهروندان را باهم برابر تلقی مینمود. سالروز شهادت وی در داخل افغانستان ودر گوشه های جهان از جانب مهاجران افغانستان تجلیل میگردد. بزرگداشت از هفته شهید مصداق ایت قرآن میباشد که شهداء نمرده بلکه زنده میباشند. مسعود شهید به یک قوم وسمت تعلق نداشت، وی مربوط به همهٔ مردم افغانستان بود. مسعود هیچ مقامی رادر دولت نمی خواست، ونبا بر آن مقام وزارت دفاع ملی را رضا کارانه ترک نمود، ومال ومنالی از خود به ارث نگذاشت. اعمال باران وی جدا از عملکردهای او بوده ونباید به مسعود چسبانده شود، زیرا هر کس مسئول عمل خود میباشد.

خواجه بشیر احمدانصاری دربیانیۀ تحقیقی وتحلیلی خود گفت در منطقهٔ ما اقوام وفرهنگهای مختلف وجود دارند، حوزهٔ تمدنی ما اشکال مختلفی بخود گرفته است. عبدالرحمن خان ۱۳۵ سال پیش کشوری را بنام افغانستان تأسیس کرد، که حایلی بود میان دوقدرت جهان آنروز، معارف آهسته آهسته شکل گرفت ودر زمان امان الله خان وسعت پیدا کرد. جنبش مشروطۀ اول جریان خیلی بنیادی بود و تحولات عمده را در نظر داشت... (دنباله درستون سوم همین صفحه)

\*\*\*\*\* در سال ۱۹۸۶ بدست آورد. موصوف یک دورهٔ یکسالۀ تحصیل جیولوجی را طی برنامهٔ سازمان ملل متحد، در سروی جیولوجی هندوستان در سال ۱۹۸۵ نیز موفقانه به پایان رسانده بود.

انجنیر فروزان بعداً بحث عضو اکادمی علوم افغانستان به رتبهٔ علمی محقق، استاد فاکولتۀ زمین شناسی دانشگاه کابل به رتبهٔ پوهنمل خدمت نمود، و در ضمن نطاق برنامهٔ انگلیسی رادیو افغانستان نیز بود. وی عضویت انستیتوت نورم وستندرد افغانستان، عضویت هیئت تحریر مجلهٔ علمی معادن وصنایع و مجلهٔ ستندرد راداشته، سپس به حیت مدیر عومی استادان دانشگاه کابل اجرای وظیفه نموده، همکار موسسۀ خبریۀ داکتران بدون سرحد در امور مهاجرین کابل هم بوده است . انجنیر عبدالصبور فروزان بعداً به حیت عضو وسکر تر شورای عالی مشورتی ریاست جمهوری دولت اسلامی افغانسان تحت زعامت شهید پروفیسر برهان الدین ربانی کار کرد، و سپس به امریکا مهاجرت نمود.

انجنیر فروزان در حال حاضر استاد جیولوجی در دیارتمنت ساینس و انجنیری رابریټال کالج ایالت نیوجرسی میباشد. وی بیش ازچهل مقالهٔ علمی وبژوهشی در مجلهٔ معادن، مجلهٔ پولیتخنیک کابل انتشار داده، و در حال حاضر قرااست کتاب تازه اش باعنوان (قاره های ثابت ومتحرک، بحثی در پیت تکتونیک) به زبان انگلیسی در نیوجرسی به چاپ برسد.

انجنیر فروزان از سه پیش همکاری قلمی اش رابا جریدهٔ امید آغاز کرده، که مهمترین ومشهورترین مقاله اش، افشای فجایعی که بهره برداری از معدن مس عینک لوگر توسط شرکت چینیای، که با اعطای رشوۀ گزاف به مسئولین حکومت کززی به امضارسیده بود، میباشد. این مقاله باعث جنجالهایی عمیق در داخل کشور شد، پارلمان افغانستان بر آن قرارداد اعتراض های عمده کرد، تا بالاخره حکومت کززی مجبور شد دونمایندۀ خویش رادر آن پروژهٔ خابانه، به کنفرانسی که دربارهٔ قرارداد با شرکت چینیای درواشنگن دی سی دایر شد، وانجنیر فروزان هم در آن برای سخنرانی و بیان مضرات محیط زیستی وانتشار امراض کشنده برای کودکان ومادران منطقهٔ معدن مس عینک دعوت شده بود، فرستاد، که توضیحات ناقص آن دونماینده، اعضای کنفرانس را که متشکل از زمین شناسان ومعدن شناسان امریکایی بودند، قناعت داده توانست. جریان آن کنفرانس را نیز انجنیر فروزان در جریدهٔ امید به نشر رسانید . انجنیر فروزان به زبانهای آلمانی، روسی وانگلیسی احاطۀ کامل دارد .

دا کتر محمداسماعیل رضایی

## تجلیل روز شهداء رحم لله اجمعین

برگزاری روزشهداء واقعاً یک امرنهایت مهم ومناسب است. در مرکز و ولایات وهمچنان در بعضی کشورهای جهان، افغانهاین روز را تجلیل نمودند. به روانهای شهدای راه آزادی، در رأس شان مرحوم شهید احمد شاه مسعود(رح) دعامیگویم .

دراین زمینه آواز ناهنگام بعضی هامانندآقای عمر خطاب، مالک تلویزیونی در کالیفورنیا، مرا آزرده خاطر ساخت که با کلمات غیر واقعی وغیرمنطقی، شهداء را به بادانتقاد گرفته واخیراً تهمت هایی برایشان وارد نمود، که آمر صاحب مرحوم وابستۀ روسهابود، در حالیکه آقای خطاب دایره المعارف علمی کشورهای اروپایی را مطالعه نکرده اند که همه علت اصلی شکست روسهرا جهاد و مخصوصاً مجاهدین افغانستان و دررأس مرحوم مسعود شهید (رح) می شمارند. ایشان بودند که در کوه پایه های هندو کش مقابل قوای درجه اول دنیا مقاومت نمودند وتلفات سنگینی بر لشکر روسهوارد نمودند. البته مقاومت وفتح نصیب تمام افغانهای مجاهدیمیاشد، که عملاً وبا قلم هم از آزادی وطن دفاع نمودند. بهتر است که آقای خطاب دیگر در تلویزیون ظاهر نشوند، واین گونه اختلافاتی را که بوی تعصب از آن می آید، دامن نزنند، زیرا منشأ چنین اظهارات از طرف طالبان وآی اسی آی بوده ومی باشد !

وطن مادر حال حاضر به پراکندگی ودرهم برهمی عجیب گرفتارست، از یک طرف جوانان تحصیل کرده م ازوطن فرار کرده با هزاران مشکل خود را به خارج میرسانند، تا اینکه کارولقمه نانی را پیدا کرده بتوانند، در حالیکه فکتهورهای تولیدی از قبیل زمین، معادن، قوای کار دروطن ماموجوداست، واز آقایی که بر کرسی های بالا نشسته اند وعده های سرخرمن داده اند، کدام کار عملی به مشاهده نمیرسد، اهالی کشوره نیازمندی های اساسی مانند ایجادشغل و کار، امنیت سراسری خودناپل نشده، برخلاف، صعودقیم وازهمه بدتر ایجاد اختلافات قومی ونژادی وزبانی پامیزند، وبرای برآوردن این همه ضرورتها همه انتظار دارند، از طرفی هم از کمکهای بین المللی کدام حساب و کتاب ومصارف حقیقی آن مردم معلوماتی ندارند. با در نظر داشت مطالب فوق، درزمین به دوموضوع عمده اظهار نظر می نمایم، البته بطور مختصر.

اولاً اقوام وطن ما مانند تختهٔ شطرنج یکی پهلوی دیگر قرار دارند، زمینداری وغیره تکالیف زندگی شان مشترک ا انجام مییابد، بنابراین همزیستی اقوام را نباید برهم زد. در مقررری های چو کی های بالا باید همه را به یک چشم دید و معیارهای تخصص رادر نظر گرفت، در غیر آن بار کج به منزل نمی رسد !

دوم، ناامنی دروطن ما زیادترازسوی همسایهٔ ما پاکستان ایجادمیشود، ایشان دروطن ما منافع واهدافی دارند، یعنی استفاده از کشت کوکنار، که سالانه قرار دادهایی دارند واز تولید موادمخدر بمیلاردها دلار عاید دارند. علاوه بر آن، آب دریاهای ما طور رایگان بدسترس شان قرار دارد، در خط نامهند دیورند وغیره، پس به هروسیلهٔ ممکنه بنام طالب وداعش وغیره عملیات خرابکاری ونامنی را در افغانستان ما وارد و تقو به کرده می روند.

فکرمیکم رهایی ازین بلای بزرگ مشکل است، زیرا ایشان درحیله و نیرنگ های مختلف مهارت کامل دارند، ودر مقابل، دولتمردان ما در کمال بی اعتقادی به منافع ملی، مشغول خویشخوری وچپاول از هر زمینهٔ ممکن بوده، زیرکی لازم رابرای خشی کردن حیله ها و نیرنگهای پاکستانی ها ندارند. /

\*\*\*\*\* تأمین عدالت اجتماعی، گسترش معارف، انکشاف تجارت، استقرار سیاسی ومدنیت جدید از آنجمله بودند... جامعهٔ افغانستان جامعهٔ قبیلوی میباشد، برای رسیدن به عدالت اجتماعی ما باید بحران هويت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت ملی، بحران توزیع ثروت وبحران نوع دولت رابایدحل کنیم. مسعود شهید به این باور بود که در افغانستان مشکل قومی وجود ندارد قوم را اشخاص وافراد با علم کردن اسلامیت وقانونیت دامن میزنند. اسناد نشان میدهد که واژه های افغان و پشتون یکسان بوده وبه یک قوم خاص اطلاق میشود، پنهان سازی حقایق راه حل مشکلات نمی باشد، مانباید به ملت دروغ بگویم و ظالم ومظلوم رادر یک پله قرار بدهیم. خانم سهیلا هاشمی طی بیانیۀ بزبانهای انگلیسی وفارسی بابادآوری از شهدا وقهرمان ملی، گفت که هدفی رادر نظر باید داشته باشیم وزمنیۀ کمک به اعمار مکاتب را به مردم افغانستان آماده کنیم.

دا کتر عبدالغفور روان فرهادی دپلمات ارشد و شهیر نویسندهٔ بزرگ که بنابر تکلیف صحی توانست در همایش اشتراک کند، طی یک پیام کوتاه، خاطرهٔ خود را از دیدار مقبرۀ مسعود شهید بیان داشت، که توسط محمدعمر مهربان به حضار تقدیم شد.

صبور رحیل دولتشاهی، نویسنده وتعلیگرمسابلی سیاسی، در سخنرانی خود بیان داشت که پیش از تجاوز شوروی وباکستان برافغانستان، عدالت اجتماعی وجود نداشت، عدالت اجتماعی که شامل مشارکت مردم کشور در تصمیم گیریها، در توزیع ثروت، تعیین هويت و سیستم قدرت میباشد. هر گروه آنرامطابق میل و سلیقهٔ خود میندازند کسانیکه نمی خواهند عدالت اجتماعی را تأمین بدارند، با حيله وبهانه توصل میجویند. در افغانستان بنام عدالت اجتماعی تحقق اهداف قوانین ونظریاتی در نظر میباشد، وبرای حصول آنها جنگهای منافقانه راتعیقب مینمایند.بابدیری احقاق حق مبارزهٔ جدی کردچرا که کسی آنرا رایگان نمیدهد. دوشیزه فرزانه شیرزاد دربیانیۀ کوتاه خود که باحساس عمیق و صدای رسا ارائه داشت، شهیدمسعود را یک مرد استثنایی خواند که از میان مردم برخاست وعروج کرد، از وطن تپای جان دفاع نمود، همهٔ مردم را یکسان تلقی میکرد، از تبعیض بشدت نفرت داشت، و تعلیم وترتیه فرقی میان زن ومرد قایل نبود . سبحان الله حمیدی جوانی که تا درجۀ ماستری در تریهٔ تحصیل نموده، آخرین سخنران همایش بود، وی بیان داشت که مسعود شهید شکل یک واژهٔ را گرفته و در اذهان مردم ماندگار شده است. شهید مسعود یک قسمتی باورهای خود را با داشتن امکانات اندک، جامعهٔ عمل پوشانید ودر دفاع ازوطن هیچ کوتاهی نکرد. مسعود بخاطر داشتن اهلیت و کفایت وتدبیر فوق العاده نه تنهایی اکثریت مردم افغانستان مقام بلند دارد واورا قهرمان دفاع ازوطن می شمارند، شماری از نویسندگان، شاعران ونظامیان وسیاستمداران جهان از او ستایش نموده اند. آقای مهربان گردانندۀ محفل در میان سخنرانی ها با ارائهٔ جملات زیبا وابیات موزون وخاطرات از مسعود شهید، محفل رارنگینتر ساخت.

در ختم همایش، رئیس انجمن دانش داکتر خاموش، از تشریف آوری حضار، تمویل کنندگان محفل، جوانانی که در ترتیب وتنظیم محفل سهم شایسته داشتند، سخنرانان، ادارهٔ سالون، آقای زلگی کمره مین، مالک دستگاه پخش آواز تشکر نمود، ومهمان را به صرف شام دعوت کرد. /

\*\*\*\*\*
**امنیت ملی از پنج حمله تروریسی جلوگیری کرد**
**۲۲سپتمبر/کابل-** نور تی وی: دفتر رسانه های ریاست امنیت ملی با میگوید منسوانش ۲۷ تروریستی را بازداشت کرد که قصد حمله های تهاجمی وانتحاری رادر روزهای عید قربانی داشتند. آنان مربوط شبکه تروریستی حقانی هستند وقصد داشتند در ولایت های کندهار، بلخ، هیرمند، نیمروز ولوگر حمله کنند. چهار نفر شان شهروند پاکستان اند واز نزدشان مقداری سلاح به دست آمد .

**نه جنگ و نه صلح** (دنباله ازصفحهٔ سوم)

رابدوش گرفت، حالا سربازان افغان به حمله مېېردانزد، در تار بېکې شېب دروازه ها رابررسی و باغیان را مېکوبند. وقتا که قوای افغانی مصروف زدو خورد مېباشند، قوماندانهای امریکایی نمی خواندهند به صفت نظاره گر در کنار قرار گیرند وشاهد باختن میدان جنگ و تضعیف روحیهٔ شان باشند. امریکاییها نمی خواندهند بصورت فعال مداخله نمایند و توانایی های قوای افغانی را در طرح و پیشبرد عملیات کم اهمیت تلقی بدارند. قوای امریکا زمانیکه هر گوشهٔ افغانستان به منطقهٔ جنگ تبدیل شده است، احساس میکنند که به جنگ کشیده میشوند. بتاريخ ۱۷گست شورشیان به دروازهٔ پایگاه قوای خاص امریکا هجوم بردندویک آتشباری متقابل طولانی میان دوجانب درگرفت، یک امریکایی وهشت نفر از قوای امنیتی افغانستان و چهار نفر حمله کننده کشته شدند. شورشیان چندین حملهٔ تماشایی مثل حمله بر پایگاه امریکادر کابل مبادرت ورزیدند، نقاط تلاشی را در درودستها تاراج کردندو مراکز ولسوالی هاراتصرف نمودند تا توانایی قوای افغانی را امتحان کنند. جنرال سوندل، قوماندان قوای عملیات خاص طی یک مصاحبه بیان کرد: (ساحهٔ حضور قوای ائتلاف که محمولودشد، طالبان از آن استفاده کردند، ولی وقتیکه حادثهٔ رخ میدهد وقوای امنیتی افغانی واکنش موثر نشان میدهند، موقعیتهای نظامی، موقف حکومت رادر مذاکرات صلح بالقوه باطالبان تقویت مینماید. جنرال تونی تاماس، سلف جنرال سوندل سه سال پیشینی کرده بود که وظایف قوای خاص امریکا بزودی در میدانهای جنگ خاتمه می یابندوبه کارهای اداری مصروف شده وبه وزارتهای داخله ودفاع افغانستان مشوره میدهند.

چنانیکه آرزو میرفت، پیشینی جنرال تاماس تحقق نیافت، یونتهای نخبه، مانند کماندوها وقوای خاص افغانستان در ه هفته تا ۱۴۰ عملیات رابصورت مستقل راه می اندازند. در حدود ۴۰۰ عملیات دیگر رابه کمک قوای امریکا که خدمات استخباراتی، لوژستیک، پوشش هوایی وغیره را آماده میسازند، عملی میکنند. بقول جنرال سوندل کلاه سبز پوشهای امریکا در هفتهٔ شش تاده مرتبه در عملیات قوای افغانی راهبراهی مینمایند. یک افسرارشد قوای کوماندوی افغانستان گفت: (ماهنوز هم به کمک امریکاییها نیاز داریم، دشمنان ما از کشور های همسایه کمک دریافت میکنند و هر روز تقویت میشوند.)

یک قوای مستقل جداگانه امریکا که بیست درصد قوای امریکادر افغانستان تشکیل میدهد، علیه القاعده و گروههای دیگر که بضد امریکا توطئه میدارند، در مبارزه مېباشند. مقامات رسمی امریکا از تبصره بر فعالیت محرم و سری آنها، خودداری نمود.

همراهی مشاوران امریکایی که باقوای افغانی در اجرای وظایف شان بنام (عملیات مشارکتی) یاد میشود، در زمان داخل شدن به خانه ها و قلعه هاصورت نمی گیرد ومیگذارند توسط خود قوای افغانی تلاشی اجرا گردد. در تاریکی شام ۱۳ جولای چرخبلاهای امریکا کماندو های افغانی و کلاه سبزهای امریکایی رادر ولسوالی میوندقندهار، ساحهٔ زیر تسلط طالبان پیاده کردند. سربازان افغانی باعینکهای شب بین مجهز بودند، سه نفر طالب رابه قتل رساندند و ماشیندارهای شان را بامرمی ها تصرف کردند.

کپتان واروتی قوماندان یک گروه قوای خاص امریکا در گردیز گفت: (در جاهایی که بتوانیم در [عملیات مشارکتی] شتراک می ورزیم، ولی ما بجز در حالات خیلی خاص، دروازه هارانی کویم.) بعضی وقتها حالات خاص بوجود می آید. روز ۵ جون گروه کپتان دوهرتی در همراهی تیم های نخبهٔ پلیس وارتنش افغانستان در حمله برای بدست آوردن سلاح در اثر یک اطلاع استخباراتی در ولسوالی زرم ت اشتراک کردند. کپتان اجازهٔ مقامات بالا را حاصل نموده بود زیر اמידانست که به مقابلهٔ دشمن بر میخورد.

بقول دوهرتی، گروهها توسط وسایط هُموی وزرهی به قریه نزدیک شدند، کپتان وقوماندانهای افغانی پس از آنکه قلعه را که مرکز طالبان بود، از طریق سربازان افغانی پاکسازی کردند، آنها ترتیبی گرفته بودند که قوای شان زیر آتش قرار نگیرد. قوای افغانی در اثر تلاشی حویلی ها دوحلقه دام، یکمقد بمب، چندین تفنگ و موتر سایکل، راکت انداز وشش خریطهٔ ۵۵ کیلویی مواد انفجاری بدست آوردند. جریان تلاشی هار اصابات خمپاره های طالبان مختل کرد وسبب آتشباری که دوازده ساعت ادامه یافت شد. امریکاییها وقتی داخل نزاع شدند که زیر آتش دشمن قرار گرفتند که شمار شان به چهل نفر میرسید. هنگام خروج از آنجا دو بمب کنار جاده رای ا اثر ساختند، ولی بمب سوم زیرعرابه های هُموی اول که در آن قوای افغانی وجود داشتند، انفلاق نمود. یک کماندوی افغانی به خسارهٔ مغزی دچار شد، کماندوی دیگریک چشم خود را ازدست داد، کماندوی سوم از شکستن استخواب راه صدمه دید. آن حالت کپتان دوهری را واداشت قوای تقویتی امریکایی را تقاضا نماید، چرخبلاها در هواها پیداشدند وموقعیت طالبان را زیر آتش گرفتند. چرخبال دیگری زخمی هارا انتقال داد، کپتان پاتر گفت که ماجرا آن زمان ادامه یافت که او زخم برداشت.

گزارش استخباراتی تلفات طالبان رایست کشته وانمود کرد، هیچ افغان یا امریکایی تلف نشد، چرخبلاهای افغانستان مرکب از چند چرخبال حملاتی میباشد. در حالیکه یونت نخبهٔ افغانی خودشان دارای چرخبلاهای ترانسپورتی وطیارات استخباراتی مېباشند، زمانیکه کماندوهای افغانی به مشکل مواجه میشوند، از قوای امریکا کمک پوشش هوایی تقاضا میکنند. معمولاً قدرت هوایی امریکابه زدو خورد ها خاتمه میدهد. در ماه جولای چرخبلاهای امریکا اشتباهاً بر یک پایگاه دور افتادهٔ افغانی با توب و موشک حمله کردند وهفت سرباز را کشتند ونهچ سرباز دیگر را زخمی کردند. یک سخنگوی قوای امریکا اظهار کرد که آن حادثه زیر بررسی قرار دارد.

امریکایی ها کثراً خود را از جنجالها دور نگه میدارند، کلاه سبز پوشان امریکا که در ولایت لوگر به تیم پلیس افغانی مشوره میدهند در پایگاه خود دور از مرکز پلیس زندگی میکنند، امریکایی ها هیچ وقت در اجرای وظایف آنها را همراهی نمی کنندو فکر می نمایند که به حمایت محتاج نمی باشند. امریکایی ها و افغانها همدیگر را فقط در ساعات آموزش می بینند. /

\*\*\*\*\*

**در بارهٔ فرهنگ** (دنباله از صفحهٔ دوم)

راترک کنم) یا (من باید در لب بحر خانه بخرم)، اما ارزشهای عادی همان عملکرد و گفتارهایی میباشد که انسان روزمره به اجرای آن میردازد.

\_ داشتن شباههای زبان با فرهنگ در فهمیدن ماهیت فرهنگ کمک به سزا می کند:
۱- زبان و فرهنگ هر دو کسی وغیر ذاتی میباشد. انسان وقتی تولد میشود استعداد آموختن زبان و فرهنگ را دارد، اما برای آموختن باید آنها را در خانه و محیط تجربه کند. به عبارت دیگر، اگر زبان ذاتی مبیود، به مجرد تولد طفل به سخن گفتن آغاز میکرد، همانطوریکه چوچهٔ یک پرند ه بعد از بر آمدن از تخم به گشتن شروع میکند. از آنجاییکه زبان ذاتی نیست، تاوقتیکه طفل به کدام زبان معروض نشود، آموختن آن غیر ممکن است. وی باید زبان را بشنود تا بعداً خودش به حرف زدن بپردازد.

۲- شباهت دیگر زبان با فرهنگ اینست که هر دو در طفولیت کسب میگردند. طفل زبان را اول در خانه (مادر و دیگر اعضای خانواده) فرا میگیرد، بعد در محیط

(مکتب و دیگر موسسات جامعه) تقویت میشود. در جوامعی مثل افغانستان در طفولیت از قومیت، مذهب (شیعه/سنی) وغیره آگاهی حاصل میکند، اما در امریکا از قوم در سن های بین ۱۸ و ۱۹ جوانها می فهمند که جرمن یا فرانسوی و غیره میباشدند.

۳- عملکرد زبان و فرهنگ متکی بر قواعدست، همانطوریکه زبان قواعد دارد، فرهنگ نیز دارای قواعد(نظام) میباشد. همین قواعد است که قدرت پیشگویی را ممکن میسازد. میگویند مردم به اساس قدم زدن امنویل کانت، ساعتهای خویش را عیار میکردند، دلیل آن بود که وی به اساس یک نظام قدم میزد و هر روز در ساعت معین به این کار مبادرت میورزید.

به همین ترتیب، در جملهٔ (من خانه رفتم و کریم ...) کسیکه زبان دری را بلداند، میتواند بگوید که درین خلاء کدام کلمه را باید استعمال کرد (هم). در فرهنگ نیز بنابر نظامی که دارد، میتواند پیشگویی کرد، طور مثال شخصی که با فرهنگ افغانستان بلدیت داشته باشد، میتواند بگوید که وقتی یک افغانستانی به خوردن چیزی شروع می کند، از شخص پهلوی خود دعوت میکند که در خوردن غذا شریک شود، اما در امریکا این کار بصورت پذیر نیست. من خوب یاد دارم که یک روز در سرویس سوار شدم و بعداً چا کلیت را از جیب کشیدم تا آنرا بخورم، اما قبل از خوردن، یک مقدار آنرا به نفر پهلو تعارف کردم، اما او از گرفتن و خوردن اباء ورزید. دلیل آنست که در فرهنگ امریکا والدین به اطفال خویش گوشزد میکنند که از خوردن غذای شخص بیگانه اجتناب کند.

۴- بالاخره، شباهت دیگر زبان با فرهنگ آنست که قواعد آموخته شده تحت الشعوری میباشد وشخصی که قواعد آنرا مطالعه نکرده باشد، نمی تواند آنرا به دیگران تشریح کند. مثلاً نمیتواند بگوید که چرا پسوند (را) در جملهٔ ( کتاب را خریدم) بکار میبرود وجه معنی دارد؟ و یا جملهٔ (من خوب هستم) صحیح، و جملهٔ (من خوب است) غلط میباشد؟ فرهنگ نیز چرا هارا جواب داده نمیتواند، مثلاً چرا افغانها منافع شخصی، خانوادگی وقومی وغیره را بر منافع علیای کشور ترجیح میدهند؟ یا چرا افغانها بادختر عمه، کاکا، ماما وخالهٔ خود ازدواج میکنند؟ وبالاخره، چرا برای کلمهٔ (برنج) پخته عوض یک کلمه، کلمات دیگری چون پلو، چلو، قابلی، شله، کچری قروت وغیره بکار میروند.

خلاصهٔ مطلب آنکه تحلیل وتجزیهٔ فرهنگ ( چرا ها) راجواب می دهد. این موضوع در شماره های بعدی جریدهٔ وزین امید مورد بررسی وبحث قرار خواهد گرفت. /

\*\*\*\*\*

**داستان های همسوی با تصوف** (دنباله از صفحهٔ چهارم)

اثاث کامل فراهم کرد. بعلاوه دوجامهٔ مناسب برای داماد آماده کرد، عروس را با آرایش وعطر وزیور کامل به آن خانه منتقل کردند.

شب تاریک شد، جویر نمی دانست خانهٔ که برای او در نظر گرفته شده کجا است. جویر به آن خانه وحله راهنمایی شد. همینکه چشمش به آن خانه وآئینه لوازم وعروس آینهان زیبا افتاد، گذشته به یادش آمد، باخود اندیشید که: من مردی فقیر وغریب وارد این شهر شدم، هیچ چیز نداشتم، نه مال ونه جمال ونه نسب ونه فامیل، خداوند به وسیلهٔ اسلام اینهمه نعمت برایم فراهم کرد، این اسلام است که این چنین تحولی در مردم به وجود آورده که فکرش راهم نمیشد کرد، من چقدر باید خدا را شکر کنم!

همان وقت حالت رضایت وشکرگزاری به درگاه ایزد متعال در وی پیدا شد، به گوشهٔ از اتاق رفت وبه تلاوت قرآن وعبادت پرداخت. یکوقت بخود آمد که ندای اذان صبح به گوشش رسید. آن روز را شکرانه، نیت روزه کرد، وقتی که زنان به سراغ ذلقا رفتند او را بکر ودست نخورده یافتند، معلوم شد جویر اصلاً به ذلقا نزدیک نشده، قضیه را از زیاد پنهان نگاه داشتند. دوشبانه روز دیگر همین منوال گذشت. جویر روزها روزه میگرفت وشبها به عبادت وتلاوت می پرداخت. کم کم این فکر برای خانوادهٔ عروس پیداشد که شاید جویر ناتوانی جنسی دارد و احتیاج به زن در او نیست. ناچار مطلب را باخود زیاد در میان گذاشتند. زیاد قضیه رابه اطلاع پیغمبر اکرم رسانید، پیغمبر اکرم جویر را طلبید وبه او فرمود: (مگر در تو میل به زن وجود ندارد؟ - از قضا این میل درمن شدید است. - پس چرا تا کنون نزد عروس نرفته ای؟ - با رسول الله! وقتیکه وارد آن خانه شدم وخود را در میان آئینهه نعمت دیدم، در اندیشه فرو رفتم که خداوند به این بندهٔ ناقابل چقدر عنایت فرموده، حالت شکرو عبادت درمن پیدا شد، لازم دانستم قبل از هر چیزی خدای خود را شکرانه عبادت کنم، از امشب زندهم سرم خواهم رفت.)

رسول خداعین جریان رابه اطلاع زیاد بن لبید رسانید. جویر و ذلقا با هم عروسی کردند وباهم به خوشی بسر میبردند. جهادی پیش آمد، جویر با همان نشاطی که مخصوص مردان با ایمان است، زیر پرچم اسلام در آن جهاد شرکت کرد وشهیدشد. بعد از شهادت جویر، هیچ زنی به اندازهٔ ذلقا خواستگار نداشت، وبرای هیچ زنی به اندازهٔ ذلقا حاضر نبودند پول خرج کنند. / (دنباله دارد)

\*\*\*\*\*

**صفحاتی از یک زندگی...** (دنباله از صفحهٔ چهارم)

در پایان میردازم به معرفی شخصیت سوم همین شهروندان عادی ولی خوش کردار وسنگین بار که همیشه زندگی حاشیوی راباوجود محرومیت ها، باقناعت وبررداری وخدمتگزاری پیش میبردند، و جز عطوفت به کسی آزارشان نمی رسید. این شخص بنام بابَه بخت بلند خارکش وجوالی، مرد تنومند وقوی هیکلی بود که بر علاوهٔ خدمت به دیگران، تمام هیزم ومواد سوخت تنور نان پزی داده نیبخت را مانند یک پسر حقیقی وفرمانبر داش تهیه میکرد، وبشاره های بزرگ خار وبته پازرافصله های دور به پشت خود حمل کرده وباوجود تند مزاجی، هیچگاه لب به شکایت نمی کشود... بخت بلند بایک دکان زغال فروشی نیز شراکت وهمکاری داشت، وعندالزوم جوال آرد و برنج بعضی ساکنین انشائی را از آمندوی نامنزل شان حمل میکرد وبا هر مزی که برایش می دادند، قناعت داشت. / (دنباله دارد)

\*\*\*\*\*

**سخنی چند از اندیشه های مسعود** (دنباله از صفحهٔ دوم)

غفورزی صدر اعظم مؤظف دولت اسلامی افغانستان، در بامیان در سقوط طیاره شهیدشد.

مسعود بار دیگر مرحوم مارشال فهم رانزد داکتر نجیب فرستاد، که عین پاسخ را شنید، وبعددر آخرین لحظه آمر صاحب، جنرال محمد مسلم را فرستاد تا از نجیب خواهد با آنان از کابل خارج شود، که او هم عین پاسخ راشید وداکتر نجیب گفت: (طالبان پشتونهای من هستند و مرا غرض ندارند، اما بر شما اعتماد ندارم.) جنرال مسلم به وی گفت: من پیام آمر صاحب را آوردم، دیگر اختیار باشماست! همان شب طالبان داخل شهر کابل شدند، وعدهٔ از جنرالهای پاکستان بشمول حمید گل درارگ مستقر شدند. جان برن گزارشگریو بارک تایمز میگوید: (محافظ داکتر نجیب گفت شب ساعتی سه بجه دروازه رازدند ومن باز نکردم، از سر دیوار سه طالب مسلح خیز زدند دروازه را باز کردند ومو تر یکپاک داخل شد، هر سه طالب داکتر نجیب وبرادرش احمدزی رابسته کرده ودر یکپاک بالا کردند. یکی از طالبوها یهای داکتر نجیب را پوشیده وچپلههای کهنهٔ خود را هتاجاماند.) گفته میشود که نظامیان پاکستانی داکتر نجیب رالت وکوب کردند به اندازهٔ که

در زیر لرت وکوب جان دادو طالبان جسد او را در پشت مو تر بسته وبه سر کهای ارگ کش کردند. بعد هر دو برادر را در چهارراهی آریانا از پایهٔ ترافیکی آویزان نمودند. جسد نجیب پراز جراحات وخون پر بود، روی ولب هایش خون آلود و توتِه توتِه شده بود...

در دهن داکتر نجیب سگرت مانده وین انگشتان دستهایش نوتهای کلدار ودالر لوله کرده گذاشته بودند. در وجود احمدزی زخمی مشاهده نمی شدو معلوم بود او راننده غرغره کردند. طالبان راکت انداز بر شانه بادستارها وربش های جرکک به دور آن دو برادر چرخ میزدند وخوشحالی میکردند. مردم زیادی به تماشا آمده بودند، ساعت دوازدهٔ چاشت پیکایی آمد و طالبان چندشلیک هوایی کرده واز مردم خواستند تا برا کنده شوند، سپس اجساد را بین یکپاک انداخته بطرف ارگ رفتند...

در اینجا خاطرهٔ دیگری که مؤید طبیعت صلحجویانه ونیت نیک مسعود برای تأمین امنیت وآرامش در کشور میباشد، در ذهنم خطور کرد، وآن اینکه اوایل دولت اسلامی بودو حکمرانان پاکستان دانستند که گلبدین که به پناههٔ حضور جنرال دوستم در ترکیب قوای مسلح کشور بر علیه دولت میجنگکید، توان مقاومت رادر برابر قوای احمدشاه مسعود ازدست داده، دیر یازود شکست می خورد، باطرح و زدو بندی مخفیانه باایران، از گلبدین، استاد عبدالعلی مزاری و جنرال دوستم، جههٔ واحدی را که مستقیماً از طریق فوج پاکستان تسویل و حمایه میشد، تشکیل دادند وشهر کابل رازیر باران راکت وحملات هوایی قرار دادند. جالب اینکه درین وقت گلبدین هنوز زوجی صدارت را در دست داشت که نابیش قطب الدین هلال امور صدارت را پیش می برد ! وخودش در چهار آسیاب سنگر گرفته بر کالبدیان راکت میرانند. شعله های جنگ در هر گوشهٔ شهر بیدار میکرد وشهر به آتش کشیده شده و صدها بیگناه در خاک وخون می تپیدند. ودر هر خانه خانواده ها ترسان وهراسان بودند که مورد اصابت راکت قرار بگیرند، آنهایی که تهاکوی داشتند دل خود را به آن تسلی داده ودر زیر زمین خانه بسر میبردند.

قسمت اعظم شهر تخریب شده بود وساکنین آن از ظلم وشرارت افراد جبههٔ نامقدس(گلبدین+ مزاری+ دوستم) فرار نموده به محلهٔ خیر خانه، که راکتهای گلبدین کمتر به آن میرسید، پناه بردند ودر تعمیرهای مکاتب وساختنهای نیمه کاره یاخانهٔ اقربا ودوستان زندگی میکردند. سردی زمستان نیز بیدار میکرد و برودت هوا طاقف فرساکه دریده بود. وزارتخانه ها وساختنهای دولتی همه نیمه سوخته و ویران شده بود دکان ها از ترس راکتهای گلبدین مسدود بودند.

در خانهٔ ما که سه اتاق داشت، چهار فامیل مهاجر پناه آورده بودند، که تعداد همهٔ بشمول اعضای خانوادهٔ خودم به ۲۱نفر میرسید. آرد و آذوقهٔ که داشتیم برای چند هفتهٔ دوام کرد ولی خوشبختانه که چند بوجی برنج میدگی که اولادمن آنرا خوش نداشتند، در خانه داشتیم. نان موجود نبود چون ناتوانی هابسته بودند، وجوب وزغال درک نداشت. فیصلهٔ خاتمه به این شد که یگانه راه اینست که از برنج میدگی شله پخته کنیم وچارهٔ مهمانان را بنماییم. شله پزی شروع شد، صبح وچاشت وشب شله... چاره نداشتیم چون چیز دیگری نداشتیم، اولادها که از اصل قضیه آگاه نبودند، ما را بنام شله خورک هاصدا می نمودند...! (دنباله دارد)

\*\*\*\*\*

**چهار دهمین سالگرد...** (دنباله از صفحهٔ سوم)

روی این منظوره همیشه پلانهای ساختمانی روی دست داشت. تامردم مصروف باشند وبگویند بکار میروند و فعال اند. او میگفت در لحظهٔ که امید از دست داده شد ضایعهٔ خواهد بود که دیگر جبران پذیر نمی باشد. پس ما باید امید مردم را زنده نگه داریم و دوام دهیم؛ آتوق است که راه نجات از پرابلهای ما میسر میشود.

انحراف واضح در جریان است. نمیدانم که داکتر عبدالله عبدالله این گفتار حکیمانهٔ را که روزی به آن میباید بخاطر دارد یا نه؟ بلی از حمایت مردم کم کمک دور و دور تر میروند. مردم امید را فراموش کرده اند ازینجاست که جوانان ما نا امیدانه دبیار بیگانگان رو میآورند. چارهٔ حتمی که باید لمحّه ضایع نشود برگشت امید بمردم است، بهر قیمتی که باشد امید بر گردد ورنه ورطهٔ هلاکت در کمین خواهد بود.

داکتر عبدالله در صفحهٔ ۷۲مارسیلا گراد جزء از خاطرات خود را با مسعود شهید چنین بیان کرده است: مسعود دربارهٔ موضوعات طولی المدت استعداد فوق العاده داشت. او فکر میکرد امروز چه باید کند؟ در طول سال چه باید کرد؟ وآچه در سال جاری رخداد در پنج سال آینده چه خواهد بود؟ وبهمین صورت بصوب هدف خود قدم بقدم روان بود. در پنجتیر کمیتهٔ صحنی فعالیت داشت. کمیتهٔ ساختمانی موجود بود: این ساختمانها در آتوق برگزاری پلهای کوچکی بود که تغییر بزرگ در حیات مردم وارد ساخت. با این پلها مسافهٔ که در سه ساعت پیاده طی میشد به یک ساعت پایان آمد. همچنین کمیته های تعلیمی وتدریسی، کلتوری، عسکری و یکی دو کمیتهٔ دیگر نیز مشغول فعالیت بودند. وقتیکه مناطق بیشتربکی بعد دیگر آزاد میشدند این کمیته ها در آن منطق وسعت میافت. از هر کمیته یک نماینده در بشاور دفتر داشت وبرای جلب همکاری و کومکهای اتجیوها ودیگر اورگانها یش ها وظیفه داشتند و فعال بودند. در هر دره یک شورا تاسیس شده بود. که در راس آن یک کلان قریه، یک قوماندان ویا یک تحصیل کرده مسؤولیت داشت. هر پرابلم و موضوع قریه یا دره در ین شورا فیصله میشد. پس گفته میتوانیم که هر چیزوی افکار عسکری بنا نشده بود، بلکه موضوع اجتماعی مردم هم مدنظر بود.

انحراف از موضوع اجتماعی در هر کنج وکنار مملکت برملاست. فقر، مریضیها، معنادین، تعلیمات عمومی واختصاصی نا مکمل، دو کنوران با تحصیل وکور بکولوم ناقص، رشوه ستانها، خرابی وضیعت فامیلی، جوانان فرار یافته وغیره همه از عوامل مشکلات اجتماعی است. چارهٔ اینها نزد شهید مسعود ایجاد کمیته بود. و مسؤول آن مردمان وطن دوست وصادق، میشود که باز همان شیوه پدید آید و مردمان مسؤول وصادق با آجنده های روزمره ،سالانه و پنجساله بکار آغاز نمایند.

در موضوعات فرهنگی: داوود میر در صفحهٔ ۶۱/۶۰مارسیلا گراد گفته است: **بابک ژورنالیست** فرانسوی به ملاقات مسعود سفر کردیم. هنگام شب موقع صحبت میسر شد. او از من دربارهٔ فرانسه پرسشهاداشت؛ دربارهٔ زندگی. نوع غذا واینکه سیاست در آنچا چگونه میباشد؟ بر ما از جریان صحبتهایش معلوم شد که او یکمرد نظامی نه بلکه ماورای آن بود: انتباه ژورنالیست و من در قسمت جنگهای روس و افغان این بود که او یک نابغهٔ تاکتیک عسکری میدان جنگ شمرده خواهد شد.

مسعود روش سیاسی، اقتصادی و علمی داشت. او دربارهٔ موضوعات خارج از افغانستان سوال میکرد: در بارهٔ هر چیز! پاریس، ساختمان، موزیم، فلم و کتاب وغیره سوال میکرد. مسعود از من پرسید: سال چند کتاب مطالعه میکنی؟ از من اسم نویسندگان فرانسوی را میپرسید وگفت آیا چانس برایت میسر شد تا کتاب هنری کریستین جیروستر انژیست مشهور فرانسه که خاطرات دو گول رانوشته است، از نظر بگذرانی. من کاملاً محوشده بودم! چطور؟ و از کجا؟ در بلندی کوه جابهیکه نه برق بود، نه تلفون، نه کتابخانه و نه کمپیوتر، هیچ چیز نبود جز سنگ وریگ، این معلومات را نصیب شده است. در اخیر پرسید(دنباله در صفحهٔ هفتم)

### بازگشت همه به سوی اوست

–وفات مرحومه بی بی تاج ناصری را درهندوستان، به خانواده های محترم ناصری و خلیلی و سایر بازماندگان، به ویژه همکاران ارجمند امید، بانو ماری خلیلی ناصری و آقای محمدافضل ناصری صمیمانه تسلیت می گویم . امید

–وفات مرحومه بی بی حاجی نظیفه گردیزی خانم مرحوم انجنیر حسام الدین گردیزی رادر ورچینیا به خانواده های محترم گردیزی، توخی، بارکزی، دانشجو، فروغ و نوری صمیمانه تسلیت می گویم . امید

–وفات مرحوم عبدالحق خالقی، سابق سرمحاسب شرکت برق رادر کالیفورنیا، به خانواده های محترم خالقی و وزیرزاده و کلیه بازماندگان صمیمانه تسلیت می گویم . امید

\*\*\*\*\*

**گزارش محفل ...** (دنباله ازصفحهٔ اول)

موضوعات برای بحث را، گردانندهٔ محفل چنین مطرح ساخت: نگاه کلی بر اصولی که قهرمان ملی تا پایان عمرش به آنها پابند بودند، باعطف توجه به تأثیرکار کردهای آمرصاحب شهید، ازآغاز فعالیت های سیاسی ونظامی اش، درایام جهاد بویژه روزگاران مقاومت ملی، و تأثیرات آن برزندگی اجتماعی ملت افغانستان را لطفاً مورد بحث و تدقیق قراردهید، واهمیت حفظ یا تغییر در آن دیدگاههارا جهت اثرگذاری بیشتر درحیات مردم مایبان بفرمایید.

محمدقوی کوشان، موضوع دوم بحث راجعین عرضه داشت: دخالت های ناروا ووبرانگرایکسان درکشورماطی افزون ازسه دهه در آن حدی ازبی آبرویی نظامیان آن کشوروسازمان آی اس آی آن منجر شده، که دیگر ازدید هیچ فردباصبرت درجهان پوشیده نیست، همچنان دخالتهای ایران هم به گسترش اختلافات میان آحاد ملت ما افزوده است. امروزاکثریت تحلیلگران امورسیاسی کشور، ارجاع این امر رابه شورای امنیت سازمان ملل متحد، یکی ازراههای می شمارند که ممکن است به کمترشدن دخالتهای پاکستان درافغانستان منتهی گردد. عدم پابندی ایالات متحده به پیمان مشترک این کشور باافغانستان دردفاع ازکشورما دربرابر تجاوزیگانگان، نیزپاکستان را دراجرای منویات ردیالانه اش دربرابرملت ما جسورتر ویی پرواتر ساخته است. دوستان حاضر درپائال این زمینهٔ دشوار رابه بررسی گرفته و تأمین امنیت درکشوررا در پرتو راهکارهای قهرمان ملی هم بررسی بفرمایند .

سومین مطلب برای بحث شاملان پائل چنین ارائه شد: وحدت ملی واقعی درافغانستان، تهداب وسنگ بنای ساختارملت نامشمرده میشود. این امرحیاتی متأسفانه در درازنای تاریخ، ازسوی زورمندان وبرتری خواهان وانحصارطلبان، در رژیم های امارتی، شاهی، جمهوری، کمونیستی، جهادی، طالبی و رژیم فعلی به اصطلاح مبتنی بر دمو کراسی وانتخابات آزاد، به چالش کشیده شده، و خودی وبیگانه در تخریب این بنای لرزان بسیار کوشیده اند.

تقاضامیکم تادانشمندان گرامی پائل دیدگاههای آمرصاحب شهید رادربارۀ وحدت ملی درافغانستان لطفاً بازبینی بفرمایند ونظروچاره ستجی خویش را جهت ایجاد وقوام همبستگی اقوام و وحدت ملی در کشور بیان کنند.

برای این شماره انتشارمتن کامل فرمایشات دانشمندان پائل میسر نبود، لذاصرفاً سخنان آغازین هریک شان درین گزارش درج میشود:

✽ پروفیسرداکتر حمید هادی : برادرمحترم آقای کوشان، باعرض حرمت به دوستان عزیز و گرامی، به من افتخاربخشیدبه که امروزدر این مجلس یادیبود مسعودفقید شرکت کنم، وجند نکتهٔ که صرف اشاره به فعالیتهای مسعوداست، خدمت شماعرض کنم . پنج دقیقه وقت داشتن وصحبت روی زندگی وحیات یک قهرمان بزرگ که درحقیقت آزادی افغانستان راحصل کرد، ناممکن است، باوجود آن کوشش میکمم اشاره کنم به چند نقطهٔ بصورت مختصر :

مسعود درسن سه سالگی درشهرهرات وقتی پدرش راهمراهی میککرد در مسجد جامع هرات به تحصیل علوم دینی پرداخت، همان انتباهی بودکه تاآخر عمر ازیک دین متوسط ومیانه رو، نه افراطی، پیروی میکرد. فعالیتهای مسعود چیست ومسعودکی بود؟ مختصرعرض کنم که مسعود یک افغان بی آلاش، ساده ویک افغان وطنپرست بود که برای استقلال وآزادی افغانستان ومردم خود، جان خودرا ازدست داد. همان جملهٔ معروفی که به راین رافل، معاون وزیرخارجۀ امریکا گفت، وقتی رافل مسعودراحت فشارگرفت که به طالبان تسلیم شود وطالبهاپوتاند برتمام افغانستان استیلا پیدا کنند، مسعود کلاه پکول خودرا روی میز گذاشت وگفت به اندازهٔ همین کالاهم هم ازسرزمین افغانستان باقی بماند، باخون خود ازوطن خود دفاع خواهم کرد.

مسعود درسنین جوانی بعد ازختم مکتب، به دانشکدهٔ پولیتخنک شامل شد، اما اوضاع بر آشفته ومنزلزل افغانستان اورا وادار کرد که با همسنگران ومجاهدین دیگر درراه استقلال وحفظ تمامیت ارضی افغانستان به فعالیت آغاز کند. دشمنان وبه اصطلاح مخالفین مسعودکی هابودند؟ چندطبقه بودند: اول افغانهای متعصب نشنالیست بود، عرض کنم که درسیر تاریخی هرکشورجهان دو دشمن هر مملکت بزرگ را ازپا درآورده، یکی دین افراطی ودیگر نشنالیسم. درقرن ۲۱ هیچ جایی برای نشنالیسم وجودندارد ودین افراطی چه دین ابراهیمی باشد، چه بودیسم باهندویسم باشد، درین کرهٔ زمین جای ندارد. فعالیتهای مسعود به مقابل متعصبین شروع شد ویک انسان مسلمان بندهٔ خدا بود که یک دین متوسط و اسلام حقیقی را که بر اساس ارشادات قرآنی واحادیث مبارکه استواربود، پیروی میکرد.

چیزی که آقای کوشان درین کاغذمطالب موردبحث نوشته اند، جلب توجهٔ مراکرد، جملهٔ مقاومت ملی بود، هرانسان درطول زندگی خود برحسب یک ریاکشن بیولوژیک مقاومت میکند، اگر شمایه یک حیوان، یک پرنده یاخزنده حمله کنبد، اوازخوددفاع می کند، این مردبزرگ افغانستان مقاومت کرد به مقابل دشمنان کشور، اول ازداخل افغانستان شروع کرد، گرچه رژیم افغانستان همه افغان های وطن پرست وخوبی بودند، ودرجملهٔ دشمنان مسعودشمرده نمی شدند، باحکومت آنزمان که بویی ازدمو کراسی وعدالت اجتماعی درآن سراغ نمیشد، مخالفت ورزید. مسعود شدیداً مخالف حکومت های میراثی بود، امروز درجهان حکومتهای میراثی درین کتلهٔ بشری جایی ندارد ...

✽ داکترعبدالوهاب هادی : باسلام ومحبت فراوان خدمت جمیع خواهران وبرادران، من درین پائل منحیت یک شاگردمی آموزم، گفتنی زیادی ندارم، اما درین پودیم هم ننشسته ام، میخوام چندنکتهٔ رابه شمامیگویم، واگرفرصت بعدی میسرشد، پیرامون اعمال و کرداروفعالیتی که پس ازشهدادت ورحلت احمدشاه مسعود، بایدملت افغانسان واین اولادافغانستان که درسنین مختلف هستیم، به پاس تحولی که باخونش دروطن آورد، باید سپاس بگویم .

یکی دوخاطره را که خودم شخصاً بارفتن به کابل بخصوص درسال ۲۰۰۲، وقتی که کابل کاملاً تخریب بود، وبادشماهی آید وقتی ازطیاره پایین شدیم، غیر ازسپل اشک که جلودیدگان همه رامیگرفت، چیزی رابدرستی دیده نمی توانستیم، اگرچشم پاک میکردیم ومی دیدیم، محروبه هابود، دسترف آلمان را ازخویشان واقوام شنیده بودم وکسانیکه به ارو پارفته بودند، آدم همان تحریبهای هولناک را در کابل میشد دید .

بهرحال، یادم می آیدوقتی که من تازه به فاکولته رفته بودم که اواخرسال پنجاه میلادی بود، یک روزبه مکتب استقلال رفتم، دلیل این بود که وقتی خانه آمدم، مادرم بمن گفت که برادرخردتو پیهم به خانه نمی آیدوعوض اینکه ساعت یک بیاید، ساعت سه یاجار به خانه می آید، برو ببین چه گپ است؟ من از کارتهٔ پروان بابایسکل به لیسهٔ استقلال رفتم، که خودم هم درآنچندمدنی محصل بودم وبخش عمدهٔ تحصیل درمکتب غازی بود. دیدم درصحن مکتب استقلال یکمده جوانان شاگرد وازجمله برادرم (رحیم) نشسته ومشغول صحبت میباشند، ودیدم که یک شمع، یک هیرو ویک محوردردین شان هست، که همه این بچه های جوان بسیارخردتراز او بودند به سنین ۱۴،۱۳،۱۲،۱۱. من طرف برادرم دیده وپرسیدم چی میکنی ؟ گفت والله اشتباه کردیم وشروع به اینکه برخیزد وفرار کند درهمین حال یک بچه بلندشدوآمد بطرفم وگفت: کاکاجان غرضش نگیرن، ما ننشسته بودیم وصحبت میکردیم، هیچ گاهی ندارد، فقط ما بعد ازدرسها عادت داریم باهم بنشینم وتبادل نظر میکنیم وسرخاک خودگپ می زنیم، بخدا اگرواقصوری داشته باشد، بامحبتی که بامن گپ میزد وعذر میکرد که برادرت راغرض نگیر وتویشخ نکو، وهمین حالا که گپ میزنم راستی یک احساس عجیبی بمن دست میدهد، آخردوید به پهلویم وگفت غرضش نگیر. سالهابعد از برادرم شنیدم که آن جوان همین آقای مسعود بود، درآن سن وسال او پشت رفیق های خود به ترتیبی می گشت که بعداً پشت ملت افغانستان گشت، پنجشیریک محل است، ولی دید مسعود فرامرز پنجشیربود، وبه ملت خود می اندیشید ویرایش جان داد.

خاطرهٔ دیگراینکه درهمان سال ۲۰۰۲ رفتم به بازارک به مزارمسعود، برسرکوه، می بینید که بازی است همانجا خفته، کسانی که به مزارش رفته آید، میدانید، اما خودم میخوام بگویم موترا ایستاد کردیم، وفقط یک پاسبان دم دروازهٔ مزار مسعود ایستاد بود، وراستی جایی بود که آدم زیر تأثیرمیرفت. مسعود رابرسر یک کوه بلند، که اطرافش کوه بچه ها وکوههای بلنددیگراست، ویک خانگک خردی ساخته شده بود ورنگ گنبدش سبز بود یخاک سپرده اند. گفتند که دونفراز کسانی که بسیاراخلاصمند ایرانی اش بودند، نقشه های خوبی برای مزارش طرح کرده اند، که بعداً ساخته خواهدشد.

بامسعود درهمان سرمزارش به گفت وشنید پرداختم وبعد ازدعا ونیایش، به دیدار وباستگانش رفتم وتسلیت گفتم، به همسر مسعودشهید خانم صدیقه مسعود پیام دادم که برای ابراز تسلیت میخوام به خانهٔ مسعودبروم، با کمال صمیمیت به من پیغام داد که آقای داکترهادی، ما همه باصدای گرم شما از رادیوصدای امریکا آشناهستیم، بسیار تشکر از پیام تان، احمدجان درتاجکستان مصروف درس است، کاش اینجا می بودتا از شما پذیرایی مینمود...

✽ داکتر غلام محمد دستگیر : بسم الله الرحمن الرحیم؛ الحمدلله حمداً يستحقه لعلو شانه سبوح احسانه و صلواته علی النبی الکریم و علی آله الطاهرین. این تحیه ازسطر اول ، صفحهٔ اول، جلداول قانون طب این سنای جهانی نقل شده است. وطنداران عزیز، هم مسلکان، استادان محترم و دوستان عزیز السلام علیکم : جناب کوشان محترم از ابتکاری که امسال در تجلیل سالگرد احمدشاه مسعود قهرمان ملی بصورت پائل وسئالات و جوابات به عوض مقالات تنظیم نموده اید بکجهان سپاسگرام واین موفقیت را بشما تبریک میگوم . شما موضوعات ذیل را در بحث گذاشته اید: وبرانگری پاکستان، دخالتهای ایران، نقش شوری امنیت، ونقش ایالات متحدهٔ امریکا. چون وقت مامحدود است بصورت کوتاه برایتان عرض میدارم اینکه: پاکستان، دشمن افغانستان و برای تباهی آن ازهیچ نوع اعمال ردیالانه که شمایین بیان نموده اید انا بیوززند. دولت ییکفایت آنچه لازم است اجرا نمیکند یا نمیتواند عجب در اینجااست که پاکستان اسلامی اطفال مارامیکند و هند نامسلمان برای اطفال ما شفاخانه میسازد. اما اصل پلان از باداران شان انگلیسهاست که به آنها بلیونها پوندپایلان تخریب درافغانستان میدهند وآنها (یس سر) گفته مسلمان کشی را برای رضای خاطرشان اجرا میدارند . ایرانهای، نیزبرای پیشبردآجندهٔ خود در افغانستان فعالیت دارن اما تا حدیکه ازشر پاکستان ضرر دیده صدمه رسیده ایم گمان نمیکنم از طرف ایرانهای به آن پیمانیه بوده باشد، گرچه اکثر بیمهای اطراف جاده که مردمان مسلمان وطفالاکان معصوم ما رابتلل میرساند می گویند ساخت ایران است. شورای امنیت، از نگاه من یک موسسهٔ ملل متحد یکفایت ونو کر چند مملکت با قدرت است اگر شورای امنیت راستی قدرت میداشت امروز جهان به امن میبود که متأسفانه چنین نبوده درهرجا مخصوصاً شرق میانه، آتش جنگ بصورت روز افزون مشتعل است. امریکا، دزد را میگوید دزدی کن وصاحب خانه رامیگوید هوشیار باش. امریکا چند هفته قبل پول تکس ما و شما را در حدود سه صد و هشتاد ملیون دالر به پاکستان داد تا طالبان و غیره تقویت یابند وباز خواهران وبرادران ما را به قتل برسانند. من به آن گروه محدود شما افغانهاییکه چند روز قبل در برابر کانگرس مظاهره کرده خواهان قطع کمکهای امریکابه پاکستان شده اید، سراحترام خم میکم. ( آن پاکستانی حیثیتی که دود پاشید وهوای مصفا را مکدر ساخت و محیط زیست شمارمسموم گردانید باید به محاکمه کشانیده شود . )

درقسمت تأمین امنیت در کشور، چه امنیت؟ امنیت وجود ندارد. چه امنیتی است که پاکستانیا خانهٔ مردم و پارلمان تخریب میکند، به دروازهٔ ارگ انفجار سبب میشوند ودروازهٔ وزارت دفاع را با آسمان مییرانند، درشاه شهیدمحل مسکونی مورد حمله قرار میگیرد. مسافرن سر بریده میشود ۳۵۰ محبوس گریز میکند که لست دراز است و وقت محدود. آیا نمایانند که چه کسی مسؤول این اعمال شنیع است؟

فرید زکریادرفصفحهٔ ۲۴۳ مسعود توسط مارسلا گراد خاطرهٔ خود را بیان نموده که بصورت خلص مقصد آن تقدیم میگردد و آن اینست که: ژورنالیست انگلیس گفته بود بعد از یست و پنج سال جنگ مسعود هنوز هم مسالمت آمیز است. فرید زکریا از مسعود میپرسد، شما چطور مسالمت آمیز نظر آمده اید؟ مسعود جواب میدهد: من یک هدف دارم و آن آزادی ملت ماست. چون هدف معین است نه هراس دارم ونه هرروز کردار و راه خود را تغییر میدهم. اگر شخص برای رسیدن بههدف خود از هیچگونه مبارزه دریغ نکند وبعد بههدف برسد یا نرسد هنوز هم درست است. احمدشاه مسعود دوبار خواب دید: بار اول در سال ۱۹۷۹ وقتیکه در درهٔ پنجشیر بهیث لیبر مقاومت انتخاب شد، خواب میبیند که یک شخص مسن با پارچهٔ سبزی کمرش را میبندد که معنی آن فوت وهمراهی مرد با او بود. باردوم دوماه قبل ازشهداتش خواب میبیند که همان مردمسن کمربندسبز را از کمرش دور می سازد که معنی آن انتمام وظیفه بود.( رنگ بصدا در آمد) ومن قطع گفتار کردم. نوت: وقتیکه یک بحث از گفتار به نوشته میآید یک اندازه متن نظر بصزوریات چیزنویسی فرق پیدا میکند که امید حاضرین مجلس آن تفاوتها را با بزرگواری خود نا دیده بنگرند.

✽ انجنیرعبدالصبور فروزان : بسم الله الرحمن الرحیم، احمدشاه مسعود درطی مبارزهٔ قهرمانانهٔ خویش ثابت کرد که او ادعایهٔ همهٔ مردم افغانستان دفاع می نماید، وبرای آزادی افغانستان واحد، جهاد ومجاهدت میکند. درنزدمسعود این معنی نداشت که در کجا باید باشد واز کدام منطقه وبا کی مبارزه نماید. اوجهاد رابرعلیه اشغالگران آغاز کرد، وبه هرمنطقهٔ کشور که رفت ودرهرجایی از وطن که بود، از همان جا بامردم همان محل به مجاهدت پرداخت .

### شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

**ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر = یکسال(۹۰) دالر**

**کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر**

**سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر = یکسال (۱۳۰)دالر**

## Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

مسعود اگر دنورستان بود بانورستانیها، اگر درکنربود با کنری ها، اگر در بدخشان بود بابدخشی ها واگردر کابل بود، با کابلی ها، اگر درهزاره جات بود با هزاره ها، دوشادوش وشانه به شانهٔ ایشان برعلیه اشغالگران روس و کمونیستها رزمید. پس ازهجوم اشغالگران پاکستانی ومزدوران طالبی شان به مبارزه و مقاومت ملی پرداخت. برای او فرقی نمی کرد که باکی از کجا مبارزه اش را دوام بدهد، بلکه هدف اساسی برایش افغانستان ومردم آن بود. احمدشاه مسعود را هرگز نمی توان تنها به پنجشیر منحصر ومحدودساخت، بلکه او فرزند همهٔ مردم افغانستان بود وبرای آزادی افغانستان جهاد کرد و برای سربلندی کشور و مردمش به مقاومت پرداخت وبرسر آن جان باخت .

باتأسف فراوان که یگانگی ملی ووحدت ملی در کشور مابه اندازهٔ لطمه برداشته است، که قریب است وطن ما ومردم ما یاردیگریه پرتگاه نیستی کشانده شود. این بدبختی را ازمدتها به اینطرف دامنگیر ملت ماساخته اند، که هدف آن برتری جویی وانحصارطلبی قشر محدودی ارفاشیست های قومی درکشوربوده است. این برتری جویی یک طاغفهٔ خاص سبب شده تاحقوق حقهٔ سایر باشندگان کشور ما پامال گردد، وزمینهای جدایی وبیگانگی رادرمیان اقوام مختلف تولید نماید، ومانع وحدت واتحادآنها گردد.

برای احیای وحدت ویگانگی درین اقوام مختلف کشور، راهکار های قهرمان ملی ضروراست، یعنی برای این امرحیاتی شناخت هویت هرقوم، احترام به هویت وفرهنگ شان، ومساعدساختن رشد همه جانبیهٔ هرکدام، آنظوریکه خودهریک از اقوام می خواهند، می باشد. تازمانی که ما همدیگر رانسانسیم، هستی فرهنگی وزبانی یکدیگر راحترام نکنیم، وخواهان تفوق جویی وامتیازطلبی نسبت به دیگران باشیم، تحکیم وحدت ملی چیزی مفهومی خواهد بود که در آتش آن همه خواهندسوخت، ووطن مشترک ما رانابود خواهد کرد. کشور ماماوای اقوام وملیتهای مختلف چون تاجیک، پشتون، هزاره، اوزبیک، نورستانی، تر کمن، بلوچ، ابداق، پشه ای وغیره میباشد . به نام این ملیت ها، به هویت این ملیت ها، به عنعنه وفرهنگ این ملیت ها باید احترام قابل شد وبه رسمیت باشناخت، ودرحقوق وامتیازات همه را باید مساوی وبکسان شمرد. ازبرتری خواهی وامتیازطلبی یکی به دیگری تحت نام عاری ازحقیقت اکثریت و اقلیت، که شیوهٔ بدوی است، باید اجتناب کرد، تازمینۀ وحدت ملی درین ملت ما مساعد گردد، واین همان امرحیاتی برای مردم افغانستان است، که شهیدمسعود (رح) به آن باور کامل داشت.

یادداشت گردانندهٔ محفل : دانشمندان فوق، هر کدام دربارهٔ هرسه موضوع مطرح شده، بعضاً به تفصیل وگاه فشرده، ابرازنظر کرده اند، که متأسفانه نوار تمام سخنان از ثبت بازماند.

آقای محمدیونس قانونی، باتماس تلفونی درمحفل حضور یافته، ییاد آوری ازشهدات قهرمان ملی، شهیدراه صلح استادبرهان الدین ربانی، شهید استادمزاری، شهید حاجی عبدالقدیر و عبدالحق، شهید سید مصطفی کاظمی، شهید جنرال داوود وسایر شهدای پاک وطن، افزود: مسعود امروزبه یک مکتب تبدیل شده، به یک تفکر تبدیل شده، به یک اندیشه تبدیل شده، که نه تنهابه مافغانها بلکه به همهٔ انسانهای آزادپخواه درسراسرجهان به یک سرمشق مبدل شده است.

درین مباحث محفل، آقای ریچارد مکزی، ژورنالیست شهیر نیشنل جیو گرافیک و شبکهٔ سی ان ان، نیز خاطرهٔ از یکی از دیدارهایش با قهرمان ملی، در ایام مقاومت ملی راییان داشت، که مورد دقت و دلچسپی حضارقرارگرفت . جناب جنرال احمدشاه رحمانی، از یاران جهادی مسعودبزرگ، ییاد از کار نامه های قهرمان ملی، خاطره هایی از شهیدبزرگوار را بیان داشت، که برای شنیدن آن همهٔ حضار سراپا گوش شده بودند. آقای قندآقا میرزایی، رهبری جمعی ازجوانان تازه به ایالت بر بلند رسیده از افغانستان را داشت، ودر کنار آنان به قرائت سپاسنامه به مسعود بزرگ پرداخت، وباستقبال حضارمواجه شد.

درپایان، محمدقوی کوشان، بااظهار سپاس ازشاملین محفل، که حدودسه ساعت با علاقهٔ فراوان به مناظره ومباحثهٔ پائل گوش دادند، ازدانشمندان پانلی جنابان پروفیسرداکتر حمیدهادی، انجنیرعبدالصبور فروزان، داکترعبدالوهاب هادی وداکتر غلام محمددستگیر صمیمانه تشکر کرد، و ازمدیریت وهمکاران جری بلاسم بنکویت هال، که به روال سالهای پیش، ازهمانان به گرمی پذیرایی شایسته ویابسته کردند، بویژه ازجنابان حاجی محمدعمرشجاع، ناصر جان شجاع، شیر جان شجاع وآقای محمود محبوب اظهارقدردانی کرد، ومحفل پس ازصرف نان شب، حدودساعت نه ونیم خاتمه یافت .

\*\*\*\*\*

**چهاردهمین سلگرد ...** (دنباله ازصفحهٔ ششم)

دراخیر پرسیداگرفرانسوی را بشناسم برایش بگویم به افغانستان کمیوتر بفروستد. انحراف فرهنگی به انواع مختلف ظهور کرده است. به ارتباط این مقوله نمیدانم که لیبران مملکت وقت دارند که لحظهٔ را برای مطالعه تخصیص دهند. چاره آنست که برای دریافت حقایق به کنایهای خوب مراجعه کنند، و فرهنگ عنعنوی کلتوری ، ادبی و دینی ما را به اوجش رسانند. نگارند که فرهنگ پاکستانی، هندی، ایرانی، تاجیکی، روسی وعربی بفرهنگ کلتوری و دینی ما حاکم گردد .

هارون میر در صفحه ۷۳ مارسیلا گراد گفته است: وقتیکه قوای حکمتیار توسط طالبان شکست خورد، افراد مغشوش وشکست خورد و متواری او بصوب جلال آباد درحرکت افتادند. این افراد و قوای حکمتیار در یک محلهٔ پیدا و توقف داده شدند. قوماندان مربوطه امر بمباردمان شان را توسط دو طیاره ازبگرام صادر کرد. مسعود، بمجرد شنیدن این خبر به قهر آمد و حملهٔ طیاره هارا توقف داد وگفت: اینها قوای شکست خورده اند اسلام بما اجازه نمیدهد تا به قوای شکست خورده حمله کنیم. هرقوماندان دیگر، قوای حکمتیار را به چانسی که برایش میسر شده بود تار ومار ومیکرد و خود بخاطر جمع با طالبان درگیر میشد . ببیند به فرهنگ اسلامی مسعود. او به دین اسلام مومن صادق بود ولی حکمتیار به آن مرحلهٔ پختگی نرسیده است که حقیقت اسلامی را درک کند، ورنه ازمخالفتهای مسلح بمقابل دولت ها در زمانهای مختلف و سیاستهای مختلف، دست بر میداشت وبگفتهٔ آی اس آی پاکستان مردم خود را بقتل نمی رسانید، کابل را راکتبار نمی کرد واز پذیرش قانون اساس افغانستان، به بهانه جوئی ها، دست نمی زد . (دنباله دارد)



خاطرات استادان و شاگردان  
لیسہ عالی حبیبیہ

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید و یا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۵ ارسال دارند.

تلفون ۰۶۶۴-۴۳۵-۵۷۱  
 mkgawi471@gmail.com  
 Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

# Omaid Weekly

**The Most Widely Read Afghan Publication in the World**  
Volume 24, Issue No. 1005 , September 25, 2015, ISSN 1098-

**Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan**  
**P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.**

**Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604**  
**Email : mkqawi471@gmail.com**

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی)  
توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل  
ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده  
است. علاقمندان میتوانند یک نسخه آنرا از  
مرجع ذیل بدست بیاورند:

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An  
Afghan Philosopher Poet – A  
Conversation with his Daughter,  
Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554  
pages, \$19.99) is available in paperback  
in English and Persian  
at [www.amazon.com](http://www.amazon.com).**

## قدردانی از هفته نامه امید

در محفل شکوهمند تجلیل از هفتهٔ شهید و سالروز شهادت قهرمان ملی، آمار صاحب احمدشاه مسعود (رح) درواشنگن، دکتر غلام محمد دستگیر به نمایندگی از بخش اعظم افغانهای مقیم ایالات متحدهٔ امریکا، لوح تقدیری را تهیه نموده بود، که توسط پروفسر دکتر عبدالواسع لطیفی، در حاشیهٔ محفل و در حضور مهمانان ارجمند، به محمّد قوی کوشان اهدا گردید.



از راست: دکتر غلام محمد دستگیر، محمدقوی کوشان، پروفیسر دکتر لطیفی  
متن لوح تقدیر قرار ذیل است: (دانشمند محترم محمدقوی کوشان، مؤسس،  
ناشر و صاحب امتیاز هفته نامه امید! ما افتخاری مهاجر در ایالات متحده امریکا،  
شهر هارمین شماره هفته نامه امید رابه روز ۱۹ سرطان ۱۳۹۴ به شما تبریک  
گفته، از اینکه در طول سالهای متدای ما را از جریان حوادث وطن، با مضامین  
مستند تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطلع ساخته اید، یک جهان  
سیاسگزاریم. از خداوند متعال برایت موفقیت های مزید، در جوار فامیل نجیب  
خواهانیم. ۲۲ سنبله ۱۳۹۴ هجری شمسی، ۱۳ سپتمبر ۲۰۱۵ واشنگتن

## یاست یاسیورت در خواستها رارسیدگی نمیتواند

۲۳ سپتمبر / کابل - صدای امریکا: ریاست پاسپورت و وزارت داخله افغانستان میگوید از جمع ده هزار نفری که روزانه برای اخذ پاسپورت به آن اداره مراجعه میکنند، با استفاده از تمام امکانات دست داشته توان چاپ و توزیع دوهزار جلد پاسپورت را در یک روز دارد. اکثر درخواست کنندگان پاسپورت جوانانی اند که میخواهند از نامنی بیکاری و سردرگمی موجود در افغانستان فرار کرده و پس از گرفتن پاسپورت رهسپار کشورهای دیگر شوند. رضوان الله باشندۀ دایکندی میگوید بیکاری، فقر و مشکل اقتصادی او را واداشته است تا برای یافتن لقمه نانی به بیرون از کشور برود. برخی دیگر از درخواست کنندگان میاماند محمد امان باشندۀ غزنی از طولانی بودن روند توزیع پاسپورت الکترونیک و بیعدالتی درین پروسه شاکی اند.

در یک و نیم سال گذشته ۰۰ هزار افغان پاسپورت الکترونیک گرفته و هنوز هم کم و بیش ۵۲ هزار نفر دیگر برای گرفتن پاسپورت درخواست کرده است. به گفتهٔ سید عمر صبور، رئیس ادارهٔ پاسپورت افغانستان روزانه حدود ۱۰ هزار نفر برای دریافت پاسپورت درخواست میکنند که ریاست پاسپورت برای رسیدگی به سبیل درخواست‌ها توان است. آقای صبور میگوید اگر یک نفر امروز برای دریافت پاسپورت درخواست بدهد شش هفته بعد میتواند پاسپورت خود را بگیرد. اگر امکانات کافی بشری و تخنیکي به گونهٔ بنیادی در اختیار این ریاست قرار داده نشود، مشکلات آن اداره در آینده بیشتر از این هم خواهد شد. کارمندان آن اداره اکنون در دوشفت کار میکنند، با اینحال تا هنوز نتوانسته اند به درخواست ده‌ها هزار متقاضی رسیدگی کنند.

آقای صبور گفت امریکا و ناتو تعهد کرده اند که با فراهم آوری تجهیزات جدید چاپ ریاست پاسپورت را کمک کنند. او افزود که این وسایل پس از عید قربان فراهم خواهد شد و به گفتهٔ وی ظرفیت توزیع پاسپورت را دو برابر خواهد ساخت.

حکومت افغانستان نزدیک به سه سال پیش توزیع پاسپورتهای الکترونیکی را آغاز کرد۔ پاسپورتهایی که از ضرب امنیتی بالایی برخوردار هستند، از جمله این ویژگیهایی هم ثبت مشخصات بایومتریک است که احتمالاً زمینه جعل این سند را به صفر می رساند.

## آغاز اخذ مالیّه از مشتریان شرکتهای مخابراتی

۲۳ سپتمبر / کابل - صدای امریکا: براساس فیصلهٔ جدید حکومت افغانستان سران چهارشنبه اول میزان ۱۳۹۴ تمام مشتریان شبکهٔ های مخابراتی مکلف به پرداخت ده درصد مالیه از مجموع کرایهٔ مصرفی شان میباشند. محمد یاسین صمیم سخنگوی وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی گفت ده درصد مالیه، در واقع محصول خدمات مخابراتی است و مجزا از مالیاتیست که شرکت های مخابراتی مستقیماً به دولت می پردازند.

بر اساس قانون جدید، ده درصد کربدت کارتهای مصرفی کاربران تلفن‌ها فوراً پس از اضافه کردن کارت وضع شده و به خزانه دولت میریزد. مشتریان شبکه‌های مخابراتی درین مورد دیدگاه متفاوت دارند، برخی حاضر پرداخت این مالیه اند اما به شرطی که به گفته آنان مالیات در جاهای درست مصرف شود. همایون باشنده کابل میگوید باید ازین پول برای اردوی ملی و ماموران دولتی سود برسد، نه اینکه به گفته وی به جیب قدرتمندان و زورمندان بریزد. محمدشیرزاد باشنده دیگر کابل نیز راضی به پرداخت مالیه است اما میگوید با این پول باید فابریکه اعمار شود و شغل ایجاد شود تا به باور وی جلوه مهاجرت جوانان بیکار به خارج گرفته شود.

اما نی، دفتر حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان این اقدام را خلاف قانون دانسته میگوید و وضع مالیات بر مشتریان شبکه‌های مخابراتی حق دسترسی به معلومات را محدود میسازد. این نهاد گفت وضع مالیات بر مصارف تلفونها، دسترسی

## امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.

**مطمئن باشید از شما ممنون می شوند.**

## استاد سیاف: پرچم سیاه داعش بر ضد مسلمانان و مردم افغانستان است

۲۰ سپتمبر / کابل - نور تی وی: امسال نیز مانند سالهای گذشته استاد عبدالرب الرسول سیاف یکی از رهبران جهادی در مراسم گرامیداشت از چهارمین سالروز شهادت استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، رئیس جمهور سابق و شهید راه صلح کشور، از گروههای مخالف دولت انتقاد کرد. اینبار اضافه از حضور جاسوسان داخل نظام از جناحیهای گروه تروریستی داعش نیز به شدت انتقاد کرد. استاد سیاف میگوید دستار سیاه گروه داعش نشان خلافت نیست؛ بل دستار توطیه و حنایت بر ضد مردم افغانستان و مسلمانان جهان است. او تأکید میکند که عملکرد داعش بر ضد اسلام و به ویژه مردم افغانستان است. وی به پیامدهای خصوصیت جاسوسان داخل نظام هشدار میدهد و میگوید تا زمانی که جاسوسان شناسایی و از نظام بیرون انداخته نشوند، پیروزی بردشمن مشکل به نظر میرسد. استاد سیاف میگوید برخی از عملیات هاییکه از بیرون صورت میگیرد و از مردم افغانستان قربانی میگیرد، توسط همین جاسوسان در کابل طراحی میشود. بگفته ی مبارزه نیروهای امنیتی کشور علیه دهشت افکنان یک مبارزه حق بر باطل است و خداوند اجر این مبارزه را میدهد. او افزود هر چند مکان جاسوسان برای حکومت معلوم است؛ اما باز هم اگر حکومت خواسته باشد وی حاضر است که محل و مکان افراد جاسوس در داخل نظام را در کابل نشان دهد.

## سیاف: طالبان گروه تروریستی و غیر اسلامی است

۹ سپتمبر/ کابل - نور تی وی: استاد عبدالرب الرسول سیاف در هفته شهید و چهاردهمین سالگشت شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود یکبار دیگر گروه تروریستی طالبان را نشانه گرفت. آقای سیاف طالبان را یک گروه تروریستی و غیر اسلامی میدانند و از طالبان میخواهد ازین چو کات غیر دینی بیرون شوند. وی میگوید نظر به آموزه های دینی، طالبان در جنگ علیه مردم افغانستان قرار دارند. این رهبر جهادی می افزاید با کستان با حمایت از طالبان همیشه جنگ درین کشور را شعله ور کرده، و از پاکستان میخواهد دست از حمایت تروریسم بردارد و جنگ علیه مردم افغانستان را پایان دهد.

استاد سیاف مجاهدین را فاتحان کشور عنوان کرده میگوید دشمنان مردم باید از توطیه علیه مجاهدین دست بردارند. وی هشدار میدهد اگر افغانستان بدست تروریسم بیفتد جهان آرام نخواهد بود. سیاف از رهبران حکومت وحدت ملی میخواهد مردم افغانستان را با خود داشته باشند و یک بسیج ملی راعیه دشمنان کشور و وجود دیوار بند به گفته سیاف، اگر حکومت توان این کار را ندارد خود به این کار اقدام خواهد کرد.

این درحالیست که به گفته استاد سیاف، در کشور تا هنوز مرجع تصمیم گیری وجود ندارد تا از احتمال به وقوع پیوستن رویداد های خطرناک ششایش هشدار بدهد.

## عاملان شهادت شهید صلح مجازات شوند

۱۹ سپتامبر / کابل - نور تی وی: مجلس سناى شوراى ملي با ياد بود از سالروز شهادت پروفيسر استاد يار خان الدين ربانى رهبر جهاد و مقاومت، رئيس جمهور پيشين افغانستان و رئيس سابق شوراى عالى صلح به موصوف و همه شهيدى راستين و وطن از خداوند متان طلب مغفرت مى نمايد. نام شهيد صلح استاد ربانى در ميان ديگر شهيدان نامدار کشور بعنوان مؤسس نهضت اسلامى، رهبر جهاد و مقاومت و بانى صلح و مصالحه در اذهان عامه و در تاريخ افغانستان ماندگار است که چهار سال قبل ترور يستان با توسل با يك توطيه محيلا نه ايشان را به شهادت رسانيد. مجلس اعيان شوراى ملي، با گراميداشت از روز شهادت شهيد صلح کشور و تقاضاى مجازات عاملين ترور استاد ربانى و عاملين قتلهاى زنجيره يى، خواهان ندادن بروسه صلح در راستاى تحكيم وحدت ملي و تأمين ثبات در کشور بوده و از رهبران حکومت و حجت مى ميخواهد برآوردن اين خواستهاى مبرم ملي، با مساعى همه جانبه به خراج دهند.

## طالبان مدرسه حقانيه بغلان را آتش زدند

۲۲ سپتمبر / کابل - باختر: ازدرگیری قومی در ولایت بغلان جلوگیری بعمل آمد. فیض محمدامیری ولسوال تاله و برفک ضمن اظهار این مطلب گفت: یک شب قبل مدرسه دارالعلوم حقانیه واقع قریه اسکمه توسط افراد نامعلومی به آتش کشیده شد موضوع تحت بررسی نیروهای امنیتی قرار گرفته است. منبع افزود: این کار دشمنان اسلام و گروههای ویرانگر بود که میخواهند مردم ما را بهم درگیر نموده و باعث خدشه دار شدن وحدت ملی در جامعه گرد.

گفته میشود، این نخستین بار نیست که مدرسه ای در بغلان به آتش کشیده می شود، بلکه قبلاً نیز ۱۲ محراب مسجد شریف نیز در ساحه دند غوری توسط این جنایتکاران به آتش کشیده شده است.

\*\*\*\*\*

**فیصلہ نامہ ... (دنبالہ از صفحہ دوم)**

محفل در پایان تصمیم گرفت تا هر چه بیشتر این مجموعه و سایر مجامع افغانی از هر گوشه و کناری که باشد، در نوبت های نزدیک و بیش از یکبار در سال هر چه بیشتر فعال گردد، و از فعالیت خود مسئولین امور افغانستان و جامعه افغانی را در جریان بگذارد. ومن الله التوفیق

به شبکه های اجتماعی مانند توئیتر، فیس بوک، یوتیوب و امثال آن را محدود خواهد ساخت. مجیب خلو تگر رئیس نی گفت این اقدام مخالف ماده ۵۰ و ۳۴ قانون اساسی است که حکومت را مکلف میسازد تا سولهایی را بخطر دسترسی مردم به اطلاعات فراهم کند. علاوه آا این تصمیم بر اساس فرمان تقنینی رئیس جمهور اتخاذ شده و شورای ملی افغانستان باید در این مورد تصمیم بگیرد.

حکومت وضع مالیات بر مشترکین شبکه های مخابراتی را نیز بلندنبردن عایدات دولت از منابع داخلی عنوان کرده است. به اساس ارقامی که وزارت مخابرات ارایه کرده، در سراسر افغانستان بالاتر از ۲۳ میلیون نفر از موبایل و بیش از ۱۰۰ هزار نفر دیگر از تلفونهای سیم دار استفاده میکنند که همه از این پس مکلف به پرداخت ده در صد مالیۀ مصرفی اند. این وزارت افزود در حال حاضر حدود ۸۰۰ هزار نفر در سرتاسر کشور از خدمات اینترنتی ۳جی استفاده میکنند که در کل نزدیک به ۱۳ درصد عواید دولت را مالیات شرکت های مخابرات تأمین میکند.

**غنی دستور تحقیق را در مورد بچه بازی صادر کرد**  
۲۳ سپتمبر / صدای امریکاز رئیس جمهور افغانستان به کمیسیون مستقل حقوق بشر، وزارت داخله و دادستانی کل دستور تشکیل کمیته کاری را داد تا در مورد سوءاستفاده جنسی از کودکان تحقیق و نظارت کرده و میکانیسمی را برای جلوگیری و پیگرد قضایی عاملان سوءاستفاده جنسی ایجاد کند. او در کنفرانس روزیو بی بهانهادهای امنیتی، سوءاستفاده جنسی از کودکان را شدیدترین جرم و مورد عمده تحطی از حقوق بشر دانسته گفت ارتکاب چنین جرایم به خصوص در صفوف قوای مسلح غیر قابل تحمل است.

وزارت دفاع ملی گزارش رسانه‌ها در مورد موجودیت بچه بازی در صفوف اردوی ملی را از بنیاد رد کرده و این عمل را خلاف آموزه‌های دین اسلام و اخلاق انسانی خواند. وزارت داخله نیز روز سه شنبه گفت گزارش‌ها درباره احتمال بچه بازی از سوی منسویین پلیس محلی را با جدیت بررسی میکند و در صورتی که درست ثابت شود، با عاملان آن با قاطعیت برخورد خواهد کرد.

واکنشها در مورد موجودیت بچه بازی در صفوف قوای امنیتی افغان پس از آن ابراز شد که دانیل کوین یک افسر پیشین امریکا به روزنامه نیو یارک تایمز گفت در سال ۲۰۱۱ شخصا شاهد بهره کشی جنسی یک نوجوان از سوی یک قوماندان پلیس محلی در ولایت هیرمند بود. کوین ادعا کرد که برای ممانعت ازین عمل با قوماندانان پلیس محلی به نام سرور جان برخورد کرد که بهمین دلیل ابتدا محل وظیفه اش تبدیل شد و سپس به تقاعد سوق داده شد.

نشراین گزارش واکنش مقامهای امریکارا نیز در پی داشت. قصر سفید موجودیت بچه بازی را در صفوف قوای مسلح افغانستان نگران کننده خواند و گفت بکجا با مقامها و نهادهای افغان، برای جلوگیری از آن تلاش میکند. همزمان با آن جان کمبل، قوماندان عمومی نیروهای امریکانو در افغانستان گفت این مورد را نادیده نگرفته و شخصاً استفاده جنسی از نوجوانان و کودکان را در صفوف نظامیان افغان پیگیری خواهد کرد.

**(سیگار): سربازان افغان لباس زمستانی ندارند**

۲۳ سپتمبر / کابل - صدای امریکا: مفش و یژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان باسیگار از احتمال کمبود لباس زمستانی برای نیرو های دفاعی و امنیتی افغان در زمستان آینده خبر داده است. سیگار باتشر گزارشی گفت کمبود لباس زمستانی برای قوای مسلح افغانستان از سال ۲۰۱۱ به اینسو محسوس است که می تواند سبب کاهش توانمندی رزمی سربازان افغان شود.

نیروهای امریکادر افغانستان در سال ۲۰۱۱، مدیریت قرارداد تهیهٔ البسه و تجهیزات قوای مسلح افغان را به وزارت های دفاع و داخلهٔ آن کشور واگذار کرد، هر چند ایالات متحده تمام این تدارکات را تا حال تمویل میکند. سیگار گزاریش داد که به سربازان افغان در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ البسهٔ مناسب زمستانی توزیع نشده و احتمال زیاد میرود آنان برای سومین سال نیز از داشتن یونیفورم درست زمستانی محروم بمانند.

صديق صديقي سخنگوی وزارت داخله گفت مشکلات دترو زع لباس زمستاني درساهاى گذشته تاحدى موجود ده، اما اين مشكل كلي نه بلكه قسمى ده. سىگار بر بنيا د گفته هاى مشاوران خارجى قواى افغان گزارش داده است كه سربازان اردوى ملي نيز با وضعت مشابهي دست و گريبان اند. در گزارش آمده كه لباسهاى موجود زمستاني اكثر سربازان افغان فرسوده شده و نياز به بونيفورم جديد دارند.

مشکل عدم توزیع البسة زمستاني به سربازان افغان درحالی بعنوان عامل کاهش دهنده قابلیت وظيفی آنان مطرح ميشود که قوای مسلح افغانستان همواره از نبود امکانات رزمی بویژه تجهيزات هوایی در نبرد بر ضد طالبان و سایر تندروان شاکی بوده اند.

## هلاکت سه طالب پاکستانی در نورستان

۲۲ سپتمبر /نورستان- باختر: سه طالب پاکستانی در جریان درگیری با نظامیان در ولایت نورستان کشته شدند. آنان با عبور از دیورند میخواسند کاروان نظامیان را آماج قرار دهند که هدف گلوله باری این نظامیان قرار گرفتند. یک قوماندان پلیس مرزی گفت درین رویداد سه تروریست پاکستانی کشته شدند، اما به سربازان و غیر نظامیان محل آسیب نرسیده است.